

# خطر ضد انقلاب مغلوب

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند))  
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند  
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر  
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند  
(ولادیمیر ایلیچ لینن)

## کارگران جهان متحد شوید! رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

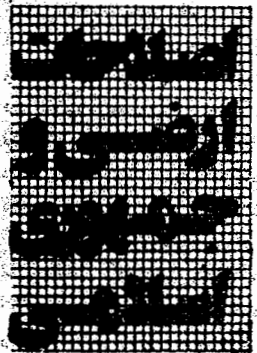
سال اول شماره ۲۴ دوشنبه ۲ مرداد ۵۹ - باصفحه ۴۰ ریال

## نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲



از نظریه کار "جدادیندن سرما به داری از و است  
بستگی اساس تحلیل های "رزمندگان است  
تحلیل هایی که خود ملهم از کرایشات تروئسکیستی  
رزمندگان است "بیانیم کمی موضوع رابطه  
سرما به داری و وابستگی را بشکافیم.

بحران عمیق امپریالیسم در اوایل دهه ۵۰  
که در کاوش نرخ سود، و گشتی گزشت سرما به جهانی  
ورکود اقتصادی خود را نشان می داد. جهان گریز  
امپریالیسم را فشرده بود، که راه های از جنگسال  
بقیه در صفحه ۳۰



قسمت  
آخر

در قسمت قبل طرح اطلاعات ارضی را مورد بررسی قرار دادیم و نحوه  
برخورد طرح رایبه مسئله مالکیت زمینداران بزرگ و ارجحیت ارضی  
مورد اگذاری را نشان دادیم. بر اساس آن بررسی کاملاً روشن میگشت  
که اگذاری ارضی به دهقانان عمدتاً از ناحیه ارضی موات و بیابان  
تا مرغوب صورت خواهد گرفت.

دولت هرگونه دخالت توده ها را در زمینهای بزرگ مکانیزه صنعتی  
داشتند و اصولاً این اراضی از اراضی دهقانان مستثنی هستند.  
بخش اعظم زمینهای ده هکتار به بالا به استیلا اراضی "نجات"  
پیدا خواهند کرد. هم چنین در بررسی گذشته ما دیده کردیم که مالکیت  
مالکین بزرگ "متروغ" (!) با حدود مالکیت خرده مالکین محترم مانده  
و بقیه نیز البته محترم مانده با خرید میشود. بقیه در صفحه ۶۰

مبارزه طبقاتی و تکامل تاریخی  
بخ هرگز سر برآورد و فرمول واری را  
طی نمی کنند اگر چه نهایتاً میتوان  
همه تاریخ مدون را نیز در یک  
عبارت "مبارزه طبقاتی" خلاصه  
کرد. ما در سه سال اخیر در جنبش  
نا دهچنین پیچیده کی ای بوده ایم  
و هر روز که به پیش میرویم هر چه  
واقفیت جنبه های گوناگون و حتی  
تنها دخود را بر ملا میکنیم و ظاهراً  
ساده تر میشود، با خود را با جهانی که  
شهابها در یک پیچیده میتوان در تغییر  
آن کوشا و موثر بود و برومی بینیم  
اما از این امر کلی که بگذریم با  
بد و واقع کنونی را از لحاظ تغییر  
و تحولی که در صفوف نیروها و مواد  
به آنها ایجاد میشود بررسی میکنیم.  
با بد عمده ترین تغییرات را تصویر  
کرد و حلقه اصلی را در میان آنها  
با بدت. از این لحاظ ما بلافاصله  
میتوانیم بر روند جنبش انگشت  
بگذاریم.

از زمان گذشته بدینسو جنبش  
کمونیستی مغلوب خود را تصفیه  
نمکنند و این تصفیه میتواند به گویا  
شأن جهت مستقل کردن طبقه  
کارگر در جنبش را فراهم کند.  
این تصفیه چه بواسطه رشد مبارزات  
اندکولوژیک و چه بواسطه پراکنش  
امپالیسم همچنان بدو به گسترش است.  
تصفیه موجب وحدت و استحکام  
جنبش کمونیستی میگردد. اگر چه  
نیاید در راه دله لوجی کودکانه  
نسبت به این حقیقت گردید، اما  
نیاید در همین حال به آنچه در عمق  
شکست در برابر العیسی می -  
بینیم که "س. ج. (اکثریت)" را به  
بقیه در صفحه ۶۰

### در پیک رزمندگان میخوانید:

در مجلس چه می گذرد؟

از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

به مناسبت سالگرد حماسه مقاومت تل زعتر:

تل زعتر: دزدیاری و مقاومت خلق فلسطین

نگاهی به مبارزه کارگران دلاور کارخانه البرز:

چگونه فولاد آبدیده می شود؟

اخبار روستایی

اخبار کارگری

اخبار کردستان قهرمان

اخبار کوهنا

### گزارشی از یک روستا

ده گیودرکنار کویر، در جنوب استان جراسان  
واقع شده است. از روستاهای اطراف شهرستان  
بیرجند محسوب میشود. آن ۱۵۰۰ کیلومترنا طلسه  
دارد. این ده تا قبل از اطلاعات ارضی شاه متعلق  
به خاندان علم بوده و بعد از این اطلاعات تنها ما  
از این یکی از این غلامان و جانیان را تا به نام  
خریمه علم میگردد. وی با نردنکی ای که  
"دربار" داشت با ابدان جس چیدرا کشور در ده زمین  
ها را مکانیزه قلمداد کرده و از تقسیم آن خود  
بخاری میکند.

اهالی ده در آستانه اطلاعات ارضی رژیم شاه  
شامل مبارز مالک، تعدادی خرده مالک و رستخیز  
بقیه در صفحه ۶۰

# کارگران جهان متحد شوید!

# سرمقاله

مومگیری علنی بر علیه خط مشی پرولتاری کثانبده کم اهمیت داد بویژه آنکه جنبش کارگری و جنبش انقلابی نیروهای این تفسیه و مبارزه ملی رغم تشبیه و غراهای گوناگون همچنان به پیش میرود.

رابطت مورد ضربات خود قرار داده است.

مجلس با اکثریت محکمی از نمایندگان حزب جمهوری اسلامی و کسانی که حول روحانیت حاکم متمرکز شده اند به نیروی در برابر

دفاع از جنبش انقلابی و توسعه آن در برابر کل حیات حاکمیه و طیفه ای است که ماکونیستها بر عهده داریم. در حال حاضر اگر تعبیرات موازنه سیاسی را در نظر بگیریم و انواع تحولات به جنبش انقلابی و سرکوب توده ها از یک سو و توطئه چینی ها و پیرامون های ضد انقلاب معلوب و بورژوازی حاکم را از سوی دیگر مورد توجه قرار دهیم ما موظفیم در برابر کل حکومت را بر انقلاب راه پیش بریم و به افشای همه خائنه ها که با کمه خدا نفلات مخلوط و توطئه ها پیش میرداریم.

البته این امر چیزی جز رشد کمونیستها در عین تزلزلات اپورتو- جنبشها و بازنگاری دمکراتیکهای انقلابی نیست و تنها میتوان حاصل آنرا در توسعه بعدی این حرکت و وحدت حقیقی و همه جانبه کمونیستها حول برنامه مبارزاتی و تحلیل منظم از اوضاع ایران دید. اگر به روند سیاسی فوق بوند اروپایی شویم، رشد اعتراضات توده ها را ببینیم و به نقش فعال کمونیستها در این روند دقت کنیم آنگاه دیگر جای تردیدی باقی نمی ماند که مبارزه مارخان با فتنه آگاهان نمونیا برنامه همگی ما در یک وحدت اصولی و دقیق میتواند این روند را هر چه بیشتر بسوزاند و انقلاب سودجیش مستقل طبقه کارگر و آری- ما نهایی تاریخی پرولتاریا تغییر دهد. این یک دیگر گویی در موازنه سیاسی اوضاع است و ناشیری پر اهمیت بر تحولات آتی خواهد گذاشت.

اگر همه عوامل سیاسی دیگر ثابت باقی مانده بودند رشد کمونیستها تنها تغییر پراهمیت محسوب میشد چون چنین نیست تا گزیر با بدیده چگونه عواملی در موازنه کلی نیروها تغییر کرده اند و کیفیت این تغییر را در باره است. بورژوازی حاکم و خرده بورژوازی برده نشینی در طی این مدت یعنی دقیقا پس از انتخاب نمایندگان مجلس و برآه افتادن جمهوری اسلامی از لحاظ انطباق با قانون اساسی دچار درگیری خاد شده اند. این درگیری که شاید بتوان انقلاب فرهنگی را آغاز آن به شکل جدیدناشد، بورژوازی حاکم

بنی مدروبولتی که از خیال دارد تشکیل دهد، تبدیل شده اند. در طی ۲ ماه اخیر روزی نبوده است که این دو جناح حکومت با هم درگیری نداشته باشند و روزی نبوده است که بورژوازی حاکم ضربه ای نخورده باشد. اگر چه تلاش کرده است این ضربات را خنثی کند و با سه حریف خود بگرداند. جدال بر سر آیت برانجام در محدوده حکومت بسودایت تمام میشود و ظلی رغم همه افشاگریهای بورژوازی، او نه تنها در مجلس می ماند بلکه در مجلس با اکثریت قوی وضعیت خود را محکم میکند.

دعوا بر سر انتخاب نخست وزیر یعنی یکی از آن ضااری که هیات حاکمه نتوانسته آرایسه عنوان گر هگاه حل کند همچنان ادامه دارد. از آنجا که نمیتوان دو نخست وزیر انتخاب نمود و همچنین دوران صفای و مصیبت و اطمینان متقابل در حکومت نیز از میان رفته است این جدال همچنان ادامه خواهد داشت مگر سردی با دو روح پیدا شود. بویژه عواقب جریان کودتای اخیر که ما در چند شماره قبل آنرا بررسی کردیم، مسایل مربوط به تضعیف اداری و از این قبیل شیز در دهه همان ضربات قسرا در میگیرند.

بورژوازی حاکم بشدت تحت فشار قرار گرفته است. عناصری از آن حتی بخشهایی از آن مرتبا به اپوزیسیون ضد انقلابی بورژوازی رانده میشوند. بدنیها، قشایی ها، حزب ایرانها، جبهه ملی ها و... این نیروها مستقیما به ضد انقلاب مخلوب ملحق

میشوند و به امکانات آنرا خارج از حکومت می افرازند. در این میان بنی مدروبولتی خاصی را انتخاب کرده است و آنست که عنوان مدافع بورژوازی در حاکمیت و مدافع سیستم موجود، بنی از یکدوره تلاش برای قیام کردن قدرت از اواخر زمستان ۵۸ و فوروردین ۵۹ با موضع گیری متقابل خنثی بورژوازی حاکم درگیر شد. زحمت بنی مدروبولتی باز کردن راهی جهت استقرار نظم بورژوازی طلبیست. جناح بورژوازی لیبرال را بطور کلی به پشت او کشاند و او که آگاهانه ها به تلاش کرده است بنی بورژوازی لیبرالها و خرده بورژوازی حاکم بندبازی سیاسی کند تا قدرت خود را راتحکیم نماید. عملا در فرجه میان سی حاکم پشیمانیان خود را در لیبرالها جسته است تا توجه به موقعیت او به عنوان کسی که باید بورژوازی را بطور کلی نجات بخشد و همینطور بر ای استکراکسیون پارکیزده خرده بورژوازی می نهاد. اکنون بنی مدروبولتی که ضعف عمومی بورژوازی حاکم و رانده شدن آن بنی اپوزیسیون بوی رابه افشاد موضعی پیچیده کشانیده است.

خرده بورژوازی وضع خود را در حاکمیت مستحکم می سازد و از سوی دیگر با فروپاشی شویم توده ها نسبت به خود موقعیت توده ای اش ضعیف میشود. در حالیکه هر چه حملات به بنی مدروبولتی می باید او به جای اینکه بن به رفتن در درون اپوزیسیون خارج از حکومت بدهد، انرژی خود را صرف سخنرانی ها در متعدد به عنوان رئیس جمهور ۱۱ میلونی در تهران، مشهد، شیراز، خرم آباد و... میکند. او در سخنرانی های خود عملا در برابر جناح خرده بورژوازی حاکم موضع میگیرد و آیت الله خمینی را بطور غیر مستقیم زیر انتقاد میبرد. او خود را نماینده زمینش مردم میدانند و از نماینده آسمانی آنها میخواهد که با وی در همه مسایل بسازد. بنا بر این بنی از بورژوازی که مرتبا به اپوزیسیون ضد انقلاب

مطلوب رانده میشود مشغول دسیسه ها و توطئه چینی ها در گوشه و کنار مملکت میگردد. در حالیکه بخش دیگری از بورژوازی که در حاکمیت است ضعف خود را با ایجاد پشتوانه توده ای جبران میکند. در مجموع با وجود همه اینها بورژوازی در حاکمیت طیفه بورژوازی ایران چه در بیرون حکومت و چه در درون حکومت ضعیف راجع و جزو نمیکند. طیفی است که امیرالایم آمریکا اندام خود را با توجه به موقعیت بورژوازی ایران تنظیم میکند. در حال حاضر بحران شدید اقتصادی سیاسی بحرانیست که "جنگ طلبان" آمریکا حاکم است. "جنگ طلبان" که "جنبش جهانی خودبختی منفع" سر ما به مالی را در سطح جهانی در خطر می بینند. اتحادات گتیک جدیدی را پیش کشیده اند.

امیرالایمها عملا می بینند که جنبش انقلابی در ایران روبه توسعه است و توده های مردم روبه روز به روز بیشتر در جهت اتحاد ام کل منافع امیرالایم در ایران به پیش میروند. آنها که به طرز شدیدی در درون جامعه خود با رتد بحران با ژولید و ورور شده اند، از ترس آنکه کمونیست ها و دمکرات های انقلابی در ایران با هم رشید کنند و به قدرت جنگ بتا نازند، خوا بهای هولناکی مبتنی بر ورور و ریشتر به سمت قطع امید از حکومت ایران در جهت اعاده شرایط مطلوب آن میروند. اتحادهای درون حکومت و موقعیت ضعیف بورژوازی حاکم در آن این نا ایدید را بیشتر میکند. طیفی است که این تغییر در موازنه سیاسی نیروها و تحت فشار قرار گرفتن بورژوازی حاکم و رانده شدن بنی عناصر مستحکم آن مثل قشایی مدنی و... به موقع ضد انقلاب مخلوب بطور

هم اکنون ما با ردیگر نیروهای کمونیست و انقلابیون دمکرات راه وحدت و اتحاد عمل فرامیخواهیم. و این اتحاد عمل را در حالتی که احتمال تحقق وحدت ضعیف است و بویژه در شرایطی که به احتمال قوی در برابر است یعنی تعرض به انقلابیون از طرف حکومت و امتشانات توطئه چینی های ضد انقلاب مخلوب از طرف دیگر، از ضروری و جدی انقلاب تلقی میکنیم.

آشکارا، زمینه های جدیدی در افتاد امات متحدانه امیرالایم و ضد انقلاب مخلوب در جهت ایجاد شرایط مطلوب خود میباشند. در این زمینه امکان انبوع توطئه ها و جزئیات ضد انقلابی از بنیه در صفحه ۹۰

مستقیم زیر انتقاد میبرد. او خود را نماینده زمینش مردم میدانند و از نماینده آسمانی آنها میخواهد که با وی در همه مسایل بسازد. بنا بر این بنی از بورژوازی که مرتبا به اپوزیسیون ضد انقلاب

نقشه از صفحه ۱۰

## نگاهی به ...

آن مستلزم تغییراتی در نحوه عملکرد امپریا نیست. باید بود. گردش سرمایه‌های دیگر در اشکال قدیمی فعالیت سرمایه‌های امپریالیستی و بهر حال کثرت آنها از کشورهای تحت سلطه نمیتوانست چاره‌ورمانی برای رکود خود بدست آورد. و بنا بر این بر مبنای سرمایه‌ها و اشکال جدید حرکت در آوردن سرمایه را جستجو کرد. امپریا لیستی برای تأمین این نیاز اساسی خویش در مدد گرفتن عرصه‌های فعالیت اقتصادی جدید در کشورهای تحت سلطه برآمدند. و اینکه محیط‌های بسته و جابجایی‌های تنگ اقتصاد فئودالی و نیمه فئودالی را بر روی دنیای سرمایه بگشایند. برای اینکه سرمایه‌ها بتوانند که اقتصاد این کشورها هر چه بیشتر با سیستم جهانی سرمایه‌داری آمیخته شود. و فعالیت سرمایه‌ها در آن‌ها به سبب باید. بدین معنا که مناسبات ماقبل سرمایه‌داری جای خود را به مناسبات سرمایه‌داری داده و تولید معیشتی با کالایی شدن جای خود را به تولید سرمایه‌داری داده‌اند. زیرا که نیروی کار معدود شهرهای این کشورها و قدرت خرید ضعیف اقتصاد نیمه فئودالی نمی‌توانست جوابگوی نیازهای فزاینده سرمایه‌امپریالیستی در زمینه ایجاد بازارهای جدید و عرصه‌های جدید فعالیت سرمایه باشد.

بدین خاطر امپریا لیسم در مدد فراهم کردن زمینه مناسب برای مدور و وسیع‌تر سرمایه مالیسی به این کشورها برآمد. و از طریق ایجاد در قسرم و "انقلاب" در بازار عرصه‌های اشتغال هر چه وسیع‌تر منابع مونتاز و منابع جانشین واردات و ... آماده ساخت.

اما باید توجه داشت که این امر یعنی دینا - منک سیستم جهانی سرمایه‌داری در جهت تسلط و توسعه خویش منظورهای از جنگال بحران و تورم سرمایه و حرکت سمت رفرف و حاکم نمیشود سرمایه‌داری در کشورهای تحت سلطه تنها یکسوی فضا است. و هر چند که نقش بسیار مهمی داشته باشد. اما زیگما نب فضا است. جانب دیگر فضا - است که در یک رشته از کشورهای تحت سلطه بحران مارک نیمه فئودالی و خطر انفجار دهقانان و کلا فئودالیست‌ها و تا جایی که نیمه فئودالی چنان برای امپریا لیسم جدی و تهدید کننده شده بود. که به بناچار تغییراتی را در جهت اصلاح وضع موجود میطلبید. در این کشورها رشد مناسبات کالایی در شهرها و نفوذ آنها در روستاها چنان توسعه یافته بود. که موجب تشدید بهره‌کشی فئودالی از دهقانان و نیز تشدید انقیاد دموکری نیروی کار دهقانان یکم سرمایه‌گشته بود. دیوارهای مناسبات فئودالی کاملاً نیست و پیوسته شده بودند. و در مقابل با وجود آنکه مناسبات کالایی و سرمایه بی‌سبب یافته بود. اما با خطر محدودیت انباشت سرمایه و فقدان منابع تولید سرمایه‌سازای انباشت و کلا ضعف بورژوازی سرمایه‌داری داخلی نمیتوانست به سرعت و به تنهایی خود را حاکم کند. و دورانی انقلاب بخوبی در دیدن بود. بنا بر این حاکمیت اشکال جدید بهره‌کشی

امپریالیستی و یا عبارت دیگر اشکال جدید وابستگی که مبتنی بر مدور سرمایه‌های مالیسی امپریالیستی و سبب مناسبات سرمایه‌داری است در کشورهای تحت سلطه بود. محصول دویوش دیطن سیستم جهانی سرمایه‌داری بود. یکی محرک سرمایه‌های امپریالیستی برای رهایی از جنگال سودنازل و رکود سرمایه‌های. و دیگری محرک کشورهای عقب مانده و تحت سلطه سیستم جهانی سرمایه‌داری در زمینه نیارب حل ضد انقلابی تنش‌ها و شکننده و حاد درون آن کشورها بود. پس از آوازی بی دیگر تا حدودی به این موضوع اشاره نموده است: "آنچه امکان مدور سرمایه را فراهم میسازد، وابستگی یک سلسله از کشورهای عقب مانده اکنون دیگر به سرمایه‌داری جهان نی داخل شده‌اند. خطوط عمده راه‌ها در آنها احداث گردیده و با ترویج به احداث شده و وجوهای اولیه برای نگامل صنعت فراهم گردیده است. و غیره و غیره تا چه ضرورت مدور سرمایه را بوجود می‌آورد. وابستگی سرمایه‌داری در معدودی از کشورها بیش از حد نیج یافته و عرصه‌ها را انداختن سرمایه "سودآور" (در نرباط عقب ماندگی کشاورزی و فقر توده‌ها) تنگ شده است.

منتخبات آثار ص ۴۱۲

آنچه از این رابطه برای ما مورد توجه میباید آنست که تحکیم شکل جدید وابستگی را با بسط و این لحاظ مورد توجه قرار داد. که حاکمیت شکل جدید وابستگی لزوماً موکول به حاکمیت و جبهه تولید سرمایه‌داری و غلبه و استعلا سیستم سرمایه‌داری در این کشورها میباید. شکل جدید

غالبت بر کشور شود. و بدین خاطر است که ما میگوئیم که توسعه سرمایه‌داری وابسته و حاکمیت آن در ایران. در اصل و ماهیتا همان توسعه سرمایه‌داری است. و در واقع روند فائو فائو فائو سرمایه‌داری شرط اساسی و اولی شکل گیری و غلبه سرمایه‌داری وابسته میباید. به این معنی که بخشی سرمایه‌های امپریالیستی نیز در ایران به سبب مناسبات سرمایه‌داری کمک میکرده و به عنوان سرمایه در این سیستم عمل نموده است. البته در این مورد میگوید: مدور سرمایه به کشورهای دیگر در کمال سرمایه‌داری آنها تا شهر بشیده و بی سرعت این شکال می افزاید. منتخبات آثار فارسی ص ۴۱۵

در این حال ادا به حیات هر یک از دو وجه به هم پیوسته و جدایی ناپذیر نظام سرمایه‌داری وابسته یعنی سرمایه‌داری و وابستگی به صورت خلقت غالب بر جامعه در کشور و غلبه آن دیگری است. وابستگی بدون حاکمیت سرمایه‌داری و سرمایه‌داری بدون حاکمیت وابستگی نمیتوانند. خلقت حاکم نظام اجتماعی ایران و کشورهای مشابه باشند. اینکه هیچ یک از این دو وجه بدون آن دیگری نمیتوانند بر جامعه ایران حاکم باشند و از نظر زمانی نیز غلبه آنها بر جامعه موقت و موقت به غلبه آن دیگری بود. و بطور همزمان و در رابطه با هم بر جامعه ایران متولی شدند. آیا بدین معناست که آن دو لحاظ منطقی و فائو فائو فائو نیز مقام و نقش یکسانی دارند؟ آیا این دو وجه جامعه ایران که از طرفی سرمایه‌داری در آن حاکم است و از طرف دیگر وابسته به امپریا لیسم است

حال ما از اینجا سؤال میکنیم: آیا بنظر شما تفاوت اساسی جامعه کار و سرمایه است یا خلاق و امپریالیسم؟ آیا بنظر شما سرمایه وابسته یا کار رابطه سرمایه‌داری یعنی کسب ارزش اضافی از طریق کار اضافی را برقرار میکنند یا از طریق غیر سرمایه‌داری را به ثمر می‌آورد؟ یعنی آیا سرمایه وابسته سرمایه‌داری است و یا چیز دیگری؟ آیا بنظر شما تفاوتی در رابطه با سرمایه‌داری است. فئودالی است یا در مرحله استقلال از فئودالیسم سرمایه‌داری و یا هر چیز دیگری است؟ آیا میتوان گفت جامعه فئودالی ما هست یا در دینکی وابستگی بکی سرمایه‌داری؟

هر دو یک حقیقت اساسی و اصلی را در محموله سیستم سرمایه‌داری وابسته دارند؟ به کار چینه جوابی دارد؟

لازم به توضیح است که مسئله وابستگی یکی از موضوعاتی است که از جنجال پیش بدین مورد توجه دانشمندان بورژوازی شرق را گرفت. و آنها هم از موضع کوشش در جهت رفع عوارض نا مطلوب و خطرناک وابسته بودن کشورهای تحت سلطه هزاران مفعول را به کار گرفته‌اند. و همچنان به اظهار نظر در این مورد میپردازند. از نظر آنها وابستگی یعنی تابعیت یعنی از کشورهای ضمیمه به کشورهای بزرگتر. و اینکه در نتیجه وابستگی ما از این کشورها بسوی کشورهای بزرگتر منتقل میشود. و بر اثر آن است که امکان انباشت و جمع سرمایه در این کشورها فراهم نیست.

وابستگی کشورهای تحت سلطه نظیر ایران، کره، برزیل و ... بر من حاکم نمودن مناسبات سرمایه‌داری و کثرت زدن اشکال نیمه فئودالی در مجموع سیستم اقتصادی - اجتماعی این کشورها توانست بر جامعه مسلط شود. حاکمیت خلقت وابستگی نظام اجتماعی - اقتصادی ایران و کشورهای مشابه همزمان بود با حاکمیت نظام سرمایه‌داری در این کشورها. و انکسای حرکت جامعه ایران به سمت اشتراکات کلاسیک اقتصادی با نظام سرمایه‌داری جهانی و وابستگی پیچیده اقتصادی به امپریا لیسم لزوماً بر اساس توسعه همه جانبه مناسبات سرمایه‌داری و تسلط بازار سرمایه در ایران صورت میگرفته. و چنین وابستگی به امپریا لیسم هرگز بر منای مناسبات غیر سرمایه‌داری و بدون حاکمیت بلا منازع قانون ارزش در همه سطوح نمیتوانست خلعت

این نگرش وابستگی را نه از زاویه وجه تولید بلکه از لحاظ رابطه کشورها با یکدیگر و به صورت کلی و عمومی و حتی عوری مورد توجه قرار میدهد. این نگرش وابستگی را از زاویه نوعی ارتباط در بین مناسبات تولیدی سیستم جهانی سرما به داری که لزوماً عملکرد فاسون ارزش سرما به جهانی را بر اقتصاد کشورهای تحت سلطه کاملاً محاسبه

اعتباری و... برقرار میشود. این سرما به است که وابسته میباشد. و شاید این مسئله را تبدیل به مسئله اصلی و اساسی کشورهای تحت سلطه میسازد. و بر این مبنایست که وقت من از آن سوال مینودما هیت چنین جوابی را چه چیزی توضیح میدهد؟ میگویند بنما در خلق امیرالایم، و محور این نهاد دویان اثرانسته در مناسبات طبقاتی و مبارزه طبقاتی و وجه تولید و مناسبات تولیدی که با وابستگی توضیح میدهند از نظر ما مسئله اساسی اصلی در توضیح

آیا این دو وجه جامعه ایران که از طرفی سرما به داری در آن حاکم است. و از طرف دیگر وابسته به امیرالایم است. هر دو سبک حدیث اساسی اصلی را در مجموع سیستم سرما به داری وابسته دارند؟ بیکار چه جوابی دارد؟

میباشد. ملاحظه نمیکرد. این نگرش توجه نمی داشت که ارتباط مزبور در واقع مبنای مبنای سر جوهر سرما به داری که حرکت در جهت کمپ ارزش اضافی است. میباشد. و در اصل همان بسط و توسعه سرما به داری و پیوندها و اتصالات لازم برای بسط توسعه میباشد.

طبیعی است که نگرش مزبور را بگاه مسادی وابستگی و زمینه جهانی آنرا که سیستم اقتصادی با کل مناسبات تولید "تبادله" در نظر نمیگیرد. بهین خاطر فریب رابطه موری کشورهای تحت سلطه و امیرالایم را میخورد. و از درک این مسئله که وابستگی جز "طبیعی" سرما به داری در کشورهای تحت سلطه است. ما جز میشود. و با زامیرالایم توهم میگردد. که پیوسته به مناسبات بین امیرالایم با لایم با مجموعه کشورهای تحت سلطه بیندیشد. و در نتیجه راه به ملا جهانی وابستگی که همان سرما به داری است بند.

این نگرش بناچار برای حل مشکل وابستگی و خلاص نمودن کشورهای تحت سلطه. راه حل خود را متوجه آن ملا جهانی وابستگی که سیستم اقتصادی سرما به داری باشد. نمیکند. و بر مبنای موجودیت آن در حد بر طرف کردن وابستگی بر می آید. و طبیعی است که چنین راه حلیمایی که امروزه از جانب بسیاری از دانشمندان بورژوا و خرده بورژوا مطرح میشود. در عمل در خدمت اصلاح سیستم اقتصادی سرما به داری کشورهای تحت سلطه و ایجاد اشکال مغفول ترو وابستگی درخواهد آمد.

اساس این نگرش و نتایج انحرافی آن ناشی از این است که اولاً وابستگی را بعنوان "جزء" طبیعی و اجتناب ناپذیر سرما به داری در کشورهای تحت سلطه و در مبنای وجه تولید سرما به داری نمی نگرد. بلکه آنرا یک مارکسیسم دم خور باشد. با وجود ملاحظه وابستگی بر مبنای وجه تولید سرما به داری. از درک جایگاه و محمل اصلی وابستگی عاجز بوده. و در نتیجه نمیتوانند در بابی که محمل اصلی وابستگی همان ارتباط سرما به داری در کشورهای تحت سلطه با سرما به داری امیرالایم میباشد. گفته این ارتباط از طریق مناسبات کالایی. صنعتی.

تاریخی کشورهای سرما به داری وابستگی سرما به داری بودن آنهاست. و امیرالایم با وجود شرحی که درباره آن دادیم به معنی با وجود نقش جهانی آن برای سیستم سرما به داری وابسته و اینکه نابودی سیستم سرما به داری وابستگی مستلزم نابودی وابستگی نیز میباشد. و در عین حال بقای سیستم سرما به داری وابسته و حاکمیت سرما به داری در کشورهای آن است. اما با ساز در مقابل وجه تولید سرما به داری جنبه فرعی و تبعی دارد. و حکم حتمی طبیعی و اجباری سرمایهداری در کشورهای تحت سلطه میباشد. و این مسئله دیگر تفا داسی جامعه سرما به داری وابسته به عنوان ما هیت این جامعه همان تفا داکار سرما به میباشد. در مقابل این حقیقت ساده. بویست. لیستها از قبیل بیکار رستنه نهاد عمده "خلق با امیرالایم" تا شکل اصلاح شده آن "خلق با امیرالایم. و اسراع داخلی" توجه میکنند. و ترو سکیستها این تفا داسی را همان تفا د عمده جامعه سرما به داری وابسته تلقی میکنند. و آنها به همین تفا داسی می اندیشند. بویست. لیستها تفا داسی کار و سرما به داری را بعنوان مسئله اصلی و اساسی جامعه سرما به داری وابسته میدهند. و ترو سکیستها این تفا داینها را بویستند و تفا د عمده خلق یعنی کارگران و خرده بورژوازی دیگر را با سیستم سرما به داری وابسته را از نظر دور میافکنند.

اینکه رومندگان تفا داسی را تفا د کار و سرما به داری و تفا د عمده را تفا د خلق با نظام سرما به داری وابسته میداند. و مرقاطع و روشن رزمندگان با بویولیتها و ترو سکیستها در جنبه مینا شد ما در مقابل این موضع قاطع و انقلابی بویولیتها ما را به ترو سکیسم و شبه ترو سکیستها ما را به بویولیسمنتب میسازند. حال ما از بیکار سوال میکنیم: آیا بنظر رفق تفا داسی جامعه ما کار و سرما به داری است یا خلق و امیرالایم؟ آیا بنظر شما سرما به داری است یا کار؟ رابطه سرما به داری یعنی کمپ ارزش اضافی از طریق کار اضافی را برقرار میکند. از طریق

بق غیر سرما به داری را به بغارت مشغول است؟ پس آیا سرما به داری وابسته. سرما به داری و بیکار است؟ آیا بنظر رفق از لحاظ تاریخی جامعه ما سرما به داری است. فکودالی است یا در مرحله استقلال از فکودالیسم به سرما به داری و بیکار است؟ آیا بنظر رفق گفت جامعه ما دویا هیت دارد یا نه؟ آیا وابستگی یکی سرما به داری؟

نگرش بورژوازی با داشته بدرستی به این واقعیت توجه میکنند که حاکمیت سرما به داری به یک نظام اجتماعی - اقتصادی در کشورهای سرما به داری وابسته در رابطه با نیا را امیرالایم کمترین و رفع مشکلات خود میدهند است. و اینکه در رابطه و در مسیر بسط و عمق بخشیدن به وابستگی بوده که سرما به داری در کشورهای مزبور حاکم گردیده است. اما این نگرش بورژوازی توجه به این واقعیت مهمترین اساسی ندارد. که هر گشت در جهت بسط وابستگی کشورهای مزبور به امیرالایم صورت و ظاهر مسئله تنها کل سرما به داری در نقاط مختلف جهان و کمترین سیستم جهانی سرمایهداری است. وابسته شدن هر چه بیشتر کشورهای تحت سلطه به صورت سرما به داری وابسته در واقع همان انطباق و همسو شدن هر چه بیشتر این کشورهای با سیستم جهانی سرما به داری و حاکم شدن هر چه بیشتر تفا نونمندیها و روندهای سرما به داری در این کشورهای میباشد. یعنی همان سرما به داری شدن این کشورهاست.

در حقیقت نگرش مزبور به جنبه میزبانی و علی حاکم شدن سرما به داری وابسته و بر جسته بودن مسئله وابستگی از این لحاظ توجه میکند. اما به جنبه ما هری قبیله که همان بسط و توسعه سرما به داری و سرما به داری شدن جوامع عقب مانده است. نحوه میماید. بدین معنای که عوامل و علل ایجاد سیستم سرما به داری وابسته نحوه دارد هر چند که از این لحاظ تریکجاب قبیله را می بیند و نقش عوامل داخلی را از نظر می اندازد. اما به ما هیت و نقش قبیله یعنی حاکمیت سرما به داری سی توجه است. نگرش مورد نظر بدین ترتیب تا بیکار فنا فیزیکی تا حدودی هم تراز میگردد. و عوامل خارجی ایجاد دیندها را اساساً بی برنی و حتی قتل خود قرار میدهند. و جانب دیگر مسئله را که نهایت بدیده ها که همان تفا داسی آنها باشد. با در درجه بعدی توجه قرار میدهند و با اینکه نادیده میگیرند. این نگرش منافذی که از دیرباز سخت بر اندیشه و مواقع سازمان مجاهدین خلق تا به انداخته بود. و اقصیات جامعه ما را به بر مبنای مناسبات طبقاتی و فواین حاکم بر مناسبات جامعه ایران. بلکه بر اساس منافع امیرالایم با آن امیرالایم و عملکردها و تفا دهای آنها از بابی مینمود. اما آن جریا - نات نیاسی جامعه را از زاویه تسلط امیرالایم بر ایران و منافع آن و عملی بر نمی میگردد.

مرگ بر امیرالایم آمریکایا و ارتجاع داخلی!

و از بررسی آنها در رابطه با اساسی ترین و مهمترین بین علت جامعه ایران که سرمایه داری بسودن نیست، عاجز بودند. این نگرش در مورد سازمان مجاهدین خلق بی ارتباط با جوهر متافیزیکی ایدئولوژی و باورهای مذهبی آنها نبود و ماهیوز آن را در تئوریه و تفسیر واقع و مبارزه طبقاتی می بینیم.

در مقابل این نگرش بورژوازی که مسئله اصلی و اساسی را عامل و علت ایجاد دیده و علت ایجاد دیده و علت آنهم عمدتاً علت بیرونی - میداند، و بر این اساس رابطه بی بیرونی را که تا اندرون پدیده را یافته - یعنی وابستگی که در درون پدیده وجود دارد - تبدیل به مسئله اصلی و اساسی میسازد. نگرش بورژوازی دیگری نیز میتواند موجود باشد و حتی وجود دارد که هر دو جنبه قسبه را یعنی علت ایجاد دیده و ما هیئت آن پدیده را بیکسان اصلی و اساسی تلقی میکند. این نگرش از نظر ما جنبه انتقادی دارد. ما نگرش بیک را در برخورد دین سرمایه داری وابسته به صورت بالا التقاطی ارزیابی میکنیم. این مسئله از بزرگانگی و بزرگوار در مقابل "فرعی و تبعی" تلقی کردن وابستگی نسبت به سرمایه داری برای جانی و موضوع استنباط میشود. زیرا که مخالفت بیکار با "فرعی و تبعی" تلقی کردن وابستگی معنایی جز آن ندارد که بیکار وابستگی را اصلی و اساسی بحساب می آورد. بقیه بیکار ممکن است بگوید که سرمایه داری و وابستگی هر دو یک چیزند!! و از این لحاظ هر دو اصلی و اساسی اند!!

اما روند سرمایه داری بطور کلی، بارون و وابستگی، هر چند در واقعیت سرمایه داری وابسته با یکدیگر عین شده و وجود واحدی را پدید آورده باشد، باز اهرم متعاقب و متعاقب است. عملاً از این موضوع در میگردیم و بر خود میبینیم که آرا موکل به هنگامی می کنیم که بیکار نظرات خود را در این مورد کاملاً عرضه کرده باشد.

با این وجود، جان کلام رزمندگان در عیار - ات مورد استفاده بیکار، مقایسه سرمایه داری و وابستگی و اینکه کدام یک عمده اند، تمییز است و بیکار بی جهت گمان میکند که رزمندگان و وابستگی را با صرف سرمایه داری مقایسه کرده است. میگویند نه! رجوع میکنیم به همان طور که بیکار از ما نقل کرده است. رزمندگان پس از تعریف "کل مناسبات تولید" از نظر ما رکن، چنین میبویس: "اگر کل مناسبات تولید تشکیل یافت اقتصاد را میدهد، نمیتوان به یک جنبه فرعی و تبعی که خود ناشی از این مناسبات و در دل این مناسبات است، پرداخت و به این سیستم مناسبات خدشه بی وارد نمود."

چه میشود کرد؟ بیکار بدون تعمق بیرونی مفهوم "کل مناسبات تولید" و "تاخت اقتصادی" که همان زیربنای جامعه ما نیستند و بیکار در رزمندگان و وابستگی را نسبت به سرمایه داری "تبعی و فرعی" بحساب می آورد. اینکه بیکار از آن نوشته ما که در بالا نقل کردیم، و مورد استناد بیکار - "مفهوم ما از دو کلمه "تبعی و فرعی" که آنها را به ما می دهد مراد قرار داده بودیم، همان نقطه مقابل "اصلی" میباشد.

نیز قرار گرفته، چنین استنباط میکند که رزمندگان و وابستگی را با سرمایه داری مقایسه کرده است - البته مقایسه این دو جنبه بجای خود ضروریست - این تردید را در سا زنده میکند که شاید بیکار و وابستگی را در دل "کل مناسبات تولید" بحساب نمی آورد و آنرا پدیده و رابطه بی سیاسی ارزیابی میکند!!

"کل مناسبات تولید" ایران شامل مجموعه مناسبات بین انسانها در جریان تولید اجتماعی است. مناسبات بین سرمایه تجاری و بانکی با سرمایه صنعتی، مناسبات بین موسسات تولید و واییل تولید و موسسات تولید و واییل مصرفی، مناسبات بین سرمایه انحصاری و سرمایه کوچک، مناسبات بین خودکار و کارگر در جریان تولید و کارگران با سرمایه داران، و نیز مناسبات بین سرمایه و وابسته ایران با سرمایه های امیر - یا لیبسی و موسسات صنعتی و بانکی متروپول ... همه و همه در زمره "کل مناسبات تولید" ایران که همان زیربنای جامعه ایران با سرمایه رتبی سیستم اقتصادی ایران باشد، میکنند. بهمین خاطر وابستگی اقتصادی نیز که در قالب روابط اقتصادی مادیت دارد، جز "کل مناسبات تولید" ایران بشمار میرود. جالب است که بیکار نیز این امر را تأیید نموده، چنانکه میگوید: "... مقوله وابستگی در جامعه تحت سلطه و وابسته باشد تولید سلطه سرمایه داری (و از آن جمله ما) ..."

جز "ارگانیک و لایبیک مناسبات تولید سرمایه داری" حاکم بر کشور است. "قسمه بیکار ۶۲. اما بنظر ما این اظهار نظر از قلم بیکار است. انستیت تراوش کرده است و بیکار رهنمای سرازای نظیر نمیدانسته است که سبکی برداشته، که از سبکی سبکی بر روی پای الکوس معطو حواهد کرد! بیکار با باید بداند سال اظهار رانکه وابستگی جز ارگانیک و لایبیک مناسبات تولید سرمایه داری وابسته ایران است بدینرا تود که این جز، نسبت به کل مناسبات تولید "ایران هر چند ارگانیک و اجباری و حدایی نا بدیر باشد" جنبه فرعی و تبعی" دارد. یا اینکه بگوید که این جز، همانا قدر اصلی و اساسی است که "کل مناسبات تولید" بیکار بطور مضمی این مطلب را ابراز داشته است که جز، مزبور اصلی و اساسی است و در نتیجه جز، وکل و مرز آنها را مخدوش کرده است. اما بیکار نسبت به مبادی فلسفی ما رکیسم و آموزش لکتیک ۲ شاست و بنا بدجیب ما ده وسط مضمی اظهار نظر بنما بد!

تمام مدعای رزمندگان که از دیرباز رسالت طرح و پیش بردن آنرا در جنبش داشته، عبارت از همین امر بوده که برای از بین بردن وابستگی بناچار باید "کل مناسبات تولید" سرمایه داری را که یکمک دستگاه سیاسی و روستای اجتماعی تشکیل نظام سرمایه داری وابسته را میدهد، نابود ساخت، و اینکه بدون نابودی نظام سرمایه داری وابسته امکان نابود یا خنثی وابستگی و نپیل به استقلال اقتصادی میسر نیست.

تعجب ما در اینجا است که چگونه بیکار که او نیز بر نابودی سیستم سرمایه داری وابسته تأکید دارد، از سخنان ما رنجیده خاطر گشته و این امر

تبعی را که وابستگی جزئی از سیستم سرمایه داری وابسته - آنهم جزئی ارگانیک بشمار میرود - و از اینرو وابستگی نسبت به "کل مناسبات تولید" یا سیستم اقتصادی سرمایه داری وابسته جنبه تبعی و فرعی دارد، و در دل آن قرار دارد. حمل بر چنین و چنان میکند، و از "تبعی و فرعی" تلقی نمودن وابستگی در مقایسه با آن سیستم برآشفته گردیده است. بخصوص که خود نیز میپذیرد، که وابستگی جزئی ارگانیک از مناسبات تولید سرمایه داری است.

تنها خطای رزمندگان در این نظرات بساد شده و مورد استناد بیکار را اظهار نیست که وابستگی را ناشی از "کل مناسبات تولید" دانسته است، و از آنجا که کلمه "ناشی" توجه به منشأ پدیدایش و تحکیم سرمایه داری وابسته دارد، و منشأ پیدایش، تحکیم و غلبه سیستم سرمایه داری وابسته تا حد زیادی همان سیستم جهانی سرمایه داری میباشود و فقط "کل مناسبات تولید" سرمایه داری وابسته ایران، در نتیجه بیکار برودن کلمه "ناشی" در آن جا اشتباه بوده است. اما متأسفانه، آنچه کمتر مورد توجه بیکار و موضوع استدلال وی قرار گرفته تا این موضوع تا درست که مطلب صحیح دیگری نبوده است، و آن عبارت از توجه رزمندگان به دینا میک خاص نظام سرمایه داری وابسته و عملکرد و روند مستقل آن علیرغم غلبه وابستگی بر آن میباشد. به علاوه استفاده از کلمه "ناشی" در اینجا کاملاً لغزش و خطایی غیر ایاسی بوده است چنانکه رزمندگان در نوشته های دیگر بغوی و بدرستی توجه به نقش و دخالت امپریالیسم در تحکیم و غلبه سرمایه داری وابسته در ایران نموده است.

از جمله مواردی که نشان دهنده، توجه ما درست بیکار به جنبه صحیح بطرات رزمندگان میباشد مورد زیر است.

رزمندگان می نویسند: "هرگاه به جنبه های تبعی و فرعی سیستم و روابط بیکار (که البته پرداختن به آنها هم ضروریست) هرگز نتوانیم پرداختن به آنها را تغییر دهیم، چرا که طبیعت این روابط و طبیعت سرمایه داری که این روابط را عینیت بخشیده است، دوباره رجوع به اصل نموده، و وابستگی را هر چند بپنهان، کمترین و کمترین دیگری برقرار میسازد."

در اینجا تمام تلاش رزمندگان متوجه آنست که به بویولیتها و کسانیکه با مطلق کردن وابستگی مطلقاً در بسی استقلال اند توضیح دهد که نمیتوان وابستگی را جدا از سرمایه داری مورد حمله قرار داد. و از میان برد، و مطرح میکند که طبیعت با ما - هیت مناسبات اقتصادی در کشور تحت سلطه - امپریالیسم مانند ایران که سرمایه داری است، موجب میشود تا بقدری محال که ایران از وابستگی به امپریالیسم رها شده شود، باز اجباراً و بغا طر و احادیث و حاکم بودن سیستم جهانی سرمایه داری و بغا طر عملکرد قانون ارزش و گردش سرمایه در رابطه متقابل با سیستم جهانی، مجدداً وابستگی بر کشور تحت تسلط شود، و تمام تلاشهای خرده بورژوازی برای راهایی از جنگال وابستگی و نپیل به استقلال نقش بر آب گردد. میگویند تلاشهای خرده بورژوازی و نه پروولتاریا، زیرا که هرگاه پروولتاریا قدرت سیاسی را در یک کشور بقبه در محله ۹



# اصلاحات...

نموده که در مجموع بیش از عرف محل زمین در اختیار نداشته باشند. (تیمبر ۳ - ماده ۲۵) والیته عمدتاً تا قبل دهقانان تغییر خواهد بود. درست همین دهقانان هستند که از هر گونه ابتکار عمل در مسووع شکل حرکت مبارزاتی و اختیار در تولید محروم میشوند و از ناحیه اراضی یا مرغوب یا بی اراضی موات و اراضی غیر مکتب بیزه و کم منفعت برای اداره مستقیم دولتی سهم ناچیزی به آنها داده میشود. درست همین دهقانان هستند که تحت سلطه "هاتهای هفت نفره" منهدم و فروریخته با ننگها سرنوشت خود را به امید آینده ای قابل تحمل تراز فلاکت کشونی، بار دیگری آزمایند و لاجرم بندهای جدیدی به دست و پا بشان بسته میشود.

## نقش دولت در طرح اصلاحات ارضی:

دولت، خرده بورژوازی فقیر و متوسط روستاها را از طریق گسترش مالکیت خود بر اراضی ویکا رگرفتن آنها برای اراضی، متعهد و از هر گونه شکل و حرکت "خود سرانه" آنها در اعمال مالکیت و تولید دسته جمعی جلوگیری میساید. و پائین وسیله حرکت انقلابی آنها را متوقف میکند.

دولت برای اصلاحات فوق زمینهای موات، بخش اعظم زمینهای با یوزمینهای دایر مالکان بزرگ را به مالکیت خود درمی آورد. بنابر به احوال این مالکان، اراضی "طاموتیان" را محاذ و "تاموسیان" با مالکان "متروغ" را در صورت تمایل خود دولت والیته را از دستبر احتیاج آنها را با خرید میکند. و یک گلام مالکیت خصوصی بر اراضی بزرگ را محدود میکند و مالکیت خصوصی را تنها تا حدود خرده مالکین متنازع میاند. در طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی، خرده مالکین از هر گونه تعریف موصوفه، آنها در راه زندگانی کرده و مشاغل این راه که مالکیت آنهاست به شکل زمین و سایر وسایل تولید در مالکیت آنها ماندند و بدون هیچگونه تمهید و شرطی از آنها استفاده و با آنها را خرید و فروش نمیشد. نفوذ سیاسی خرده مالکین با توجه به ترکیب های هفت نفره، شبیه به قبل (زمان رژیم شاه) موانع افزایش یافته و در مقابل نفوذ مالکین بزرگ که در آن زمان دست بر سر ادا شتند کاملاً رجحان می یافت. هم چنین نفوذ سیاسی نسبت به دوره بعد از سرنوشتی رژیم شاه که موج حرکت انقلابی در روستاها را محسوس دهقانان فقیر بر حواشته اسب بر طبق طرح اصلاحات ارضی و یکسبک صنایع اجرایی آن (دولت) تقویت میشود.

در صورت اجرای کامل طرح، دولت بزرگترین مالک و با بهر نگویند تنها بزرگ مالک اراضی روستایی گشته و به بزرگترین استیلا رگرفته های زمین روستاها تبدیل میشود. خرده بورژوازی مرفه سنتی که هنوز قدرت اصلی را در اختیار دارد و تا هنگامیکه این موقعیت را حفظ کرده است از جنبش موفقیتهای دولتی امان دارد، تا هنگامیکه سبب مستقیمین آنها بپایان نرسد، و ادارات کشاورزی و احکام شرع و دادگاهها مالکیت دولت را اعمال میکنند. خرده بورژوازی حاکم که بر اساس ارکاسها محیط است از جنبش مالکینی خشنود و اراضی است. و بسط چنین مالکیتی تا حد مالکیت خصوصی حواری قشر خود را کاملاً متروغ و انقلابی میسمزد و با رعایت حال مالکان بزرگ از طریق پرداخت خسارات وارده و آجازه مالکیت کوچک به آنها اعدا مالت لازم به عدسیت مالکیت زانجامی آورد. در واقع رابطه کاملاً متروغ مالکیت از نظر جمهوری اسلامی با مالکیت دولت و با مالکیت در حدود حاکم بر این جمهوری است.

از نظر روستاهای زمین روستاها حرکت "خود سرانه" و انقلابی آنها در مقادیر اراضی با ماسع بزرگ طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی و انواع تکثیرها و تنسبه ها مواجه گشته است. کبکی ویرانکننده کساری و عمل متناقض جمهوری اسلامی بتدریج کاهش مییابد و تشکیل هاتنها هفت نفره و تشبیه آنها به تمام ارکاسهای اجرایی (از پاسداران و گمنامها تا زاندار میری و ارتش) در خدمت اجرای تصمیمات آنها قرار میگیرد. نه، و زمین روستاها با ضد انقلابی فشرده و ویکار چه تشر

روبرو نمیکردند و از آنجا که گسترش مالکیت دولتی، نه اما این روابط تولیدی، بلکه شکل مالکیت را تغییر میدهد، استیلا روستاهای زمین روستاها را از طریق قرض و بدهی و تمهیدات دیگر ادا می نماید و تغییر میسوی نمی یابد. هنگامیکه روستاهای زمین روستاها با قدرت سیاسی و سرکسب میا برین جدید (هاتهای هفت نفری) در روستاهای مختلف روستاها باشند، و کما بیش با قوانین و مقررات واحدی دست یگیران باشند، بدون تک زمینه های عینی اتحاد کارگران کشاورزی و دهقانان زمین روستاها متراکمه و مفیدی طبقه ای دقیق تر و مشخص تر در روستاها بوجود می آید. توده های زمین روستاها در مفیدی قرار میگیرند که در آن برای خرده مالکین جایی نیست.

گسترش مالکیت دولتی بر اراضی مصادره شده، اراضی موات، و اراضی دایر بورژوازی را از احتیاج مالکان بزرگ، در عین حال که بر زمینهای بزرگ، مالکیت واحدی را اعمال میکند با پیرویه، خرد کردن زمینها نیز همراه است. این خرد کردن اولاً با تفکیک قسمتهای مرغوب زمینهای بزرگ و باقی ماندن آنها در دست مالکان انجام میگیرد و ثانیا این خرد کردن با در پیش گرفتن سیاست واگدا پی قطعیتات کوچک اراضی دولتی به افراد عمومی دیگر صورت میپذیرد.

ماهیت دولت و خصوصیت عقب افتادگی، ما توانی و بوروکراسی حاکم بر آن، دولت را از طرح و اجرای یک برنامه، متمرکز که بتواند سطح تولید را افزایش داده و نیاز مندیهای ابتدایی اراضی واکذار شده را بر آورد (آب، کود، بذر، ماشین آلات و...) عاجز میسازد. همین ماهیت و خصوصیات بوروکراسی، هر گونه تجربه ای نظیر سرکتهای روستایی را عی که با شرکت و نظارت و هدایت دولت با شتاب شکست روبرو میسازد. در این نوع تجارب بورژوازی (و از جمله مشیای مشترک) که سها مدار اصلی آن دولت خواهد بود، نخواهد توانست توده دهقانان را که بر روی تکه تکه زمینهای خصوصی و احیاناً واگسزاری تده کار می کنند به سیاست بهره برداری جمعی از زمینها ترغیب نماید.

هم چنانکه تجربه بیش از ده سال عملکرد رژیم شاه در شرکت های تعاونی دولتی و شرکت های سهامی روستایی، خواست دهقانان را به تصمیم اراضی و در اختیار گرفتن مالکیت فردی روستاها میسازد که توسط اس شرکت های خدده قاسی و بوروکراسی سرمایه داری و اپتینه سدد سمود، خواهشی که سلامت ساس ارسکوسی رژیم شاه را سدد دهقانان در برخورد به این شرکتها پیگیری شده و سمود، حکومت کشونی نیز به علت ماهیت طبقه ای خود نخواهد توانست بوده، دهقانان را به مالکیت دستجمعی پرزمن و تولید و بهره برداری دستجمعی ترغیب نماید (والیته چنین هدفی را نیز از دست در سر ندارد). این تنها طبقه کارگر است که پائین دادن مذاقت خود در عمل، در هدایت و رهبری دهقانان در بهبود تولید و بهره وری از زمین و در سبردن امور کار و زندگی بدست خود آنها، توده دهقان را با خود متحد خواهد نمود.

## پایان سخن:

طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی هم چنانکه در قسمتهای مختلف این بررسی نشان دادیم، با مشخصات زیر همراه است.

- ۱- این طرح بدنبال شکست سیاستهای اولیه جمهوری اسلامی در مقابله جنبشهای دهقانی، و بدنبال یک دوره از شت و عمل متناقض در ارکانهای جمهوری اسلامی، در مقابل حرکت های انقلابی توده های دهقانی، تهیه و بنویسب رسیده است.
- ۲- این طرح از یک سو محمول عقب نشینی جمهوری اسلامی در مقابل جنبشهای دهقانی و از سوی دیگر محمول کشمکشها و سازشها و وجود مشترک درونی هات حاکمه است.



۳- تشکیل و تشبیه هاتهای هفت نفره و اجرای تصمیمات آن خود زمینه مبارزه گسترده ای در روستاها، میان توده های زمین روستاها خرد مالکین و مالکین بزرگ میگردد. جندی بیش نماینده حاکم شرع در استان فارس تمام هاتهای هفت نفره در سطح استان را منحل اعلام کرد!

## اصلاحات ارضی...

۳- خواست بوده، دهقانان که در طی عدها حرکت انقلابی در انگلستان مختلف طرح کرده بود حول دو محور زیر بوده است:

الف- بطل مالکیت اراضی مالکان بزرگ از آنها و واگذاری اراضی به دهقانان. حرکت خودجوش دهقانی این خواسته را در اغلب نقاط در قالب راه حل ساده دهقانی یعنی تقسیم اراضی طرح نموده است.

ب- حمایت اقتصادی و سیاسی دولت از دهقانان برای بهبود وضعیت تولید در مقابل تسلط رواب...

اقتصادی حاکم بر روستاها و عملیات مستقیم و سباز کارانه مالکان. این خواست عمومی در کنار واقعیت اقتصادی، اجتماعی جامعه نشان می‌دهد که حل انقلابی مسئله ارضی - دهقانی بدون یک برنامه ریزی وسیع و مرکزی توسط دولت غیرممکن است.

در طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی بخش عمده اراضی دایر روستاها با بر مغرب مالکان بزرگ ناحودوی در دست آنها باقی می ماند و عالمبا مستقیما توسط ارگانهای دولتی اداره میشود. بحیثارت دیگرتغییر شکل مالکیت تنها تغییر مهمی است که در روی این اراضی صورت میگیرد و روابط گذشته اساسا بجای خود باقی است. واگذاری اراضی به دهقانان در طرح مزبور عمده اراضی موات و یا برنا مرغوب صورت میگیرد که البته مالکیت این اراضی نیز دولتی بوده و واگذاری مشروط به قبل تمهیدات گوناگون است.

۴- پیدایش کمیته‌ها و شوراهای روستایی که لازمه حرکت انقلابی بوده‌های دهقان بوده و هست. در طرح اصلاحات ارضی که میا شهنای ۷ نفره را بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی روستاها مسئولی میسازد بدون اعتبار رگزیده است. به اینصورت شکل انقلابی دهقانان در مقابل حرکت بوروکراتیک هیات حاکمه قرار گرفته و میگیرد.

۵- اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی در واقعیت موجود روستاها که طبق آن بیش از ۸۰ دهقانان فقیر و متوسط مالک ۳۳٪ اراضی کشاورزی هستند که در قطعات کوچک تاده هکتار کار میکنند تغییر اساسی حاصل نمی نماید. این تمرکز شدید بوده، دهقان در مجموع اراضی کسب در قطعات بسیار زیاد و بسیار خرد شکل گرفته است از ریشه های اصلی مسئله ارضی - دهقانی در ایران است که اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی آنرا در اساس تغییر نمیدهد.

۶- با واگذاری بخشی از اراضی موات و نا مرغوب یا بروا احتمالا بخشی از اراضی دایر به دهقانانی که کمتر از "عرف محل" دارند (عمدا دهقانان فقیر) نسبت تمرکز کرده، دهقان در اراضی کشاورزی ناحودوی موفتا کاهش مییابد اما اراضی جدید که به همراه خود فروش و تمهیدات جدید را به همراه میا ورد با عت فقر و فلاکت اجتناب ناپذیر آنها خواهد شد.

۷- خرده مالکین (خرده بورژوازی مرفه روستایی) و مالکین متوسط که حدود ۱۷٪ از اهالی روستا را تشکیل داده مالکیت ۴۵/۵٪ اراضی را در قطعات ۱۰ - ۵۰ هکتار دارا میباشند کماکان موقعیت اقتصادی خود را حفظ نموده و بر موقعیت سیاسی آنها (بویژه خرده مالکان) به میزان چشمگیری افزوده خواهد گشت و در نتیجه تقویت موقعیت اقتصادی آنها را چنانچه خواهد داشت.

۸- گسترش مالکیت دولتی بر اراضی بزرگ مالکیت خصوصی برای زمین ها را محدود می نماید. اما طرح با مجا ر نمودن تفکیک قطعاتی از زمینهای بزرگ (تا سه برابر عرف محل) و حفظ مالکیت مالکان عمومی برای این قطعات، ذرواقع عده ای از مالکان بزرگ را به خرده مالک تبدیل می نماید. به این ترتیب پیرو مالکیت و احسان دولتی بر زمینها در کنار پیرویه خرد شدن بخشی از اراضی بزرگ انجام مییابد.

۹- گسترش مالکیت و احد دولتی و نقش دولت در تولید و نظارت بر اراضی بزرگ و واگذاری نه اگر چه در مسایات تولیدی تغییر...

حاصل نمیکند اما در بین خود زمینه های عینی اتحاد کارگران کشاورز و دهقانان زحمتکش را مساعدتر نموده و صف بندی طبقاتی دقیق تر و تفصیل تری در روستاها بوجود می آورد.

۱۰- طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست گسترش مالکیت دولتی و واگذاری مشروط بخشی از این اراضی به دهقانان میکوشد تا راه حلی پیشرفته تر از "راه حل ساده" و اتوبسی دهقانی که همانا تفکیک مالکیت از طریق تقسیم اراضی است، ارائه دهد. اما درست بخاطرنا هیئت دولت و خصوصیتنا توانی و عفت افتاد و گوروگرا سی حاکم بر آن نه تنها قادر به حل مسئله ارضی - دهقانی نیست بلکه با ادامه روابط اقتصادی سرمایه داری وابسته این خواست دهقانان را کفایان بجا خواهد گذارد. خواستی که تنها با راه حل پروگتراریا در سیر - دن زمین به ارگانهای نبوده های دهقانان و تشویق آنها به بهره برداری دستجمعی از میان خواهد رفت.

تمهیدات فوق ووامعیات جاری به نشان میدهند که:

اولا - مبارزه گسترده و جاری که در شرایط کنونی در روستاها از سوی دهقانان برای دفاع از دستاوردهای جنبشهای یکسال و نیم اخیر و برای بدست آوردن شرایط بهتر در اجرای طرح در جریان است مبارزه ای فوق العاده پراهمیت از لحاظ تسریع مبارزه طبقاتی در روستاهاست. ولذا شرکت در این مبارزه جهت بدست آوردن بهترین شرایط برای توده زحمتکش وزمینه، مبارزات مستمر آنها وظیفه ای مبرم مییابد.

ثانیا - تشکیل کارگران کشاورزی و زحمتکشان روستاها حول توده یج و تبلیغ راه حل پروگتراریا که عمدتا منتهی تولید جمعی بسوده و بطور مشخص اداره امور کار روزندگی را بدست شوراهای واقعی توده های زحمتکش مییابد. اهمیت بیشتر و بیشتر مییابد.

ثالثا - مبارزه با اتوبی دهقانی که بخصوص از سوی خرده مالکین برای تفرقه در میان توده های زحمتکش رواج داده میشود پیش از پیش از اهمیت یافته و هم چنین ما هیئت دولت مییابد بدست مورد افکار کوری های وسیع قرار گیرد.

ثانی نیست که اصلاحات ارضی حکومت - در صورت اجرا و در بهترین حالت خود - مالکیت دولتی بر زمینها را گسترش میدهد. میزان مختصر به سهم توده دهقانان را استفاده از زمین مبارز و بدو غریبه ای ناقصی بر پیگیر مالکیت خصوصی بر زمینهای بزرگ وارد میکند. اما در مقابل به با ایما و عظیم مسئله ارضی - دهقانی در روستاهای ایران و تشدید تضادهای میان توده های دهقان و نظام سرمایه داری وابسته در روستاها، اصلاحاتی عقب افتاده و سطحی بیش نیستند.

جنبش های دهقانی، بر آتش تضادهای حاد روستاها شکل گرفته و رشد مییابد. این جنبشها اکنون عرمره روستاهای ایران را در بر گرفته اند. اجبار حکومت به اصلاحات ارضی فرمت مناسبی است تا نیمه پیرو - لتاریای روستا، دهقانان فقیر و زحمتکش، در کمیته های دهقانی و شوراهای واقعی روستاها متشکل شود و اینکار عمل در معادله زمینهای هر چه بیشتر از مالکان را بنبغ شکل های خود بدست بگیرند.

کمیته ها مییابد بدست در هر کجا که میتوانند در اس جنسیت نبوده های دهقان قرار گرفته و پیش از آنکه بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه روستایی و ارگانهای دولتی پشتیبان آنها به خاموش نمودن حرکت انقلابی دهقانان بپردازند، اینکار عمل را بدست نبوده، دهقان بسیار بد، در اینصورت است که توده های دهقان در برانیک مبارزاتی خود خو - اهنگد، موخت که تنها پروگتراریا است که مدافع منافع انقلابی آنها بوده و نیمعت از اوست که بهترین دستاوردهای ممکن در هر مبارزه ای را نصیب آنها خواهد ساخت.

تنها از این واقعیت است که دهقانان در تجربه مشخص خویش و با روشن شدن نتایج اصلاحات ارضی حکومت، که ایضا کمونیستها در نشان دادن آن مییابند پیشقدم گردند، در خواستند یافت که حل انقلابی مسئله ارضی و دهقانی و در واقع حل ریشه ای و هیئتگی آن تنها توسط پروگتراریا میسر است. زیرا پروگتراریا حل مسئله ارضی را به توده دهقان خواهد سپرد از زمینهای مالکین را بی هیچ قید و شرطی معادله خواهد کرد. بسیار کار نموده و ارد دهقانان را به کار دستجمعی و بهره برداری دستجمعی از

## سرمقاله

بقیه از صفحه ۲۰

جانب خدا انقلاب مطلوب وجود دارد. انقلاب را تحولات نظامی آنها بیشتر شده است. ورود مسلحه توسط آنها و پیش در میان عشارقشایی و بعضی نواحی دیگر گسترش یافته و... بورژوازی حاکم که پیوسته عداوت و سرکشی با از خود را مستقیماً بدرون این خدا انقلاب میفرستد. متحد طبعمی آن، متحد طبعمی امیر بالیس و متحد طبعمی همه ایسن توطئه ها می باشد.

دفاع از جنبش انقلابی و توسعه آن در برابر زکات هیات حاکمه وظیفه ای است که ما کمونیست ها بر عهده داریم. در حال حاضر اکثریت نیروات موازنه سیاسی را در نظر بگیریم، و انواع تجار و زبانی به جنبش انقلابی و سرکوب توده ها از یکسو و توطئه چینی ها و بزنا به های ضد انقلاب مطلوب و بورژوازی حاکم را از دیگر سو مورد توجه قرار دهیم ما موظفیم در برابر کل حکومت امیر انقلاب را به پیش ببریم و به افشای همه جا نیه هیات حاکمه، خدا انقلاب مطلوب و توطئه ها پیش ببریم. آنچه که موجب تقویت خدا انقلاب مطلوب و گسترش صفوف آن گردیده

از چندین لحاظ مربوط به خود هیات حاکمه و همه جناحها پیش می باشد. آنها توده ها را خلع سلاح نمودند. ساواکها را آزاد کردند. رادیو و تلویزیون را در اختیار امثال مدنی ها، امیران نظام ها، قطب زاده ها و... قرار دادند و میدهند. و در مقابل به نشریات انقلابی و سازمانهای انقلابی، به جنبش با شکوه خلق ایران تعرض کردند و از توسعه آن جلوگیری به عمل آوردند. و امروز نیز با وجود آنکه خدا انقلاب مغلوب دهها رادیو، نشریه و حتی تلویزیون برآمده اند، با وجود آنکه آنها علناً به لشکرکشی و راه انداختن شورش و اعتصابات و توطئه مشغولند، با زحمات حاکمه بیشتر از هر چیز دیگر توطئه علیه کمونیست ها و نیروهای دمکرات انقلابی است. این است آن واقعیتی که هرگاه فراموش شود ما را به انحراف آشکار می کشد. و این است آن چیزی که ابورتسو- نیستها بر آن تأکید می افکنند.

ایسن است که موازنه سیاسی موجود و تغییراتی که در آن در طی چند ماه اخیر وارد شده است.

این موازنه و آینده آن، امکانها و امیر بالیس و خدا انقلاب مغلوب

ب. بورژوازی بطور کلی مبارزه با بورژوازی را دیگر بر برتری به اتحاد عمل خود جهت آماجگی و سرعت عمل در هر شرایط پیچیده استمرار بورژیم و آنرا از روی اوراق کاغذ به مرحله عمل در آوریم. شرایط مطلق و ناگهانی ما را موظف میکند آگاهانه و از قبل در جهت تقویت نیروهای انقلابی و پیگیری ما را انقلاب در مقابل هر دودخا انقلاب حاکم و مغلوب، گام برداریم و نگذاریم یکبار دیگر جنبش انقلابی به هدر برود. کمونیست ها نباید بطور متفرق و غیر متمرکز بدون آگاهی و وقوف

قبلی، بدون داشتن اتحاد عمل کافی، به این دوران پیچیده مبارزه طبقاتی، مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب وارد شوند.

هم اکنون ما با دیگر نیروهای کمونیست و انقلابیون دمکرات رانه وحدت و اتحاد عمل فرا میخوانیم. و این اتحاد عمل را در حالتی که احتمال تحقق وحدت ضعیف است و سبب در شرایطی که به احتمال قوی در برابر است، یعنی تعرض به انقلابیون از طرف حکومت و اغتشاشات و توطئه چینی های خدا انقلاب مغلوب از طرف دیگر، امر ضروری و جدی انقلاب تلقی می کنیم.

## اصلاحات...

زمین ترغیب خواهد شد. تولید خرد مالکین را بتدریج در تولید متمرکز دولتی و تولید دست جمعی دهقانان مستحیل خواهد ساخت. با ایجاد صنایع کوچک و بزرگ در روستاها و شهرها توده عظیم دهقانان را از محدودیت کار کشاورزی رها خواهد کرد. با انحصار و تقسیم خرید محصولات و فروش نیازمندیهای کشاورزی به مناسب ترین قیمت ها بفع زحمتکش و صبران خسارات کشاورزی و کار زحمتکش را از قید سرمایه رها خواهد ساخت، و با درپیش گرفتن سیاست مکانیزاسیون با زدهای تولید، نیروی کار متمرکز در روستاها را کاهش خواهد داد. تنها از این راه است که مسئله ارضی با رفع وضعیت فلاکت بار رتبه های کوچک و بزرگ، و مسئله دهقانی با رفع سیاست طبقاتی بورژوازی در روستاها و جذب توده دهقان یکبار در اراضی مشترک آنها و مراکز دیگر تولید حل خواهد شد.

## نگاهی به...

بقیه از صفحه ۵

سرمایه داری وابسته بچنگ آورد سرمایه داری وابسته و از هر دو جنبه آن توانمورد هجوم قرار خواهد داد و از زخمت حاکمیت بر کشور سزیمیکند. اما به یکا زبی توجه به معنا و مفهوم "طبعت سرمایه داری" اظهار میکند که علت آنکه رزمندگان برای وابستگی جنبه فرعی و نسبی قائل است اینست که "طبعت سرمایه داری این روابط را تعیین نمیکند است. منظور از "طبعت سرمایه داری" این سیستم سرمایه داری و آن روابط مادی و مشخص سرمایه داری در این با آن کشور نیست، بلکه جنبه انتزاعی سرمایه داری با بعدا رتی ماهیت وجه عام نظام سرمایه داری وابسته ایران مورد نظراست. وقتی میگوئیم "طبعت سرمایه داری موجب میشود نه بدین معنا نیست که فلان روابط سرمایه داری مشخص موجب همان می شود بلکه نفس سرمایه داری بودن در مقابل وابستگی بطور مجرد و کلی مورد نظراست. حال ما از رفقای پیگارا میپریم آیا "طبعت سرمایه داری" موجب ایجاد وابستگی نگردیده؟ آیا دخالت و نفوذ امیر بالیس در ایجاد سرمایه داری وابسته و نیز رشد

نسبت کالایی و سرمایه سرمایه بزمیان مناسبات متودالی در ایران پیش از حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته، صورت مادی و مشخص همان "طبعت سرمایه داری" نیست؟ "طبعت سرمایه داری" مفهومی انتزاعی و عام را میسراند. و توجه به فلان سرمایه داری و بهمان روابط مشخص زمانی و مکانی سرمایه داری ندارد، منظور از "طبعت سرمایه داری" قطعاً سرمایه داری مستقل ایران با فلان کشور نیست. کلمه "طبعت" برای توضیح جایگاه مکانی سرمایه داری متلا ایران نیامده است؟ بلکه برای نشان دادن و تاکید کردن بر ماهیت سرمایه داری دارانه آورده شده است. اما به یکا رجون در بندشنا ختی سطحی و یکجانبه از سرمایه داری وابسته می باشد. این نظرات رزمندگان را حمل بر دود پهلوی کوئی میکند، و از آن بخصومی نتیجه میگیرد که "رزمندگان سرمایه داری وابسته ایران را حاصل تکامل خود پهلوی جامعه میداند، که در پروسه تکامل خویش به وابستگی رسیده است." "آدم دارد"



رفقا و هواداران!

رزمندگان

را بخوانید و

در تکثیر و پخش

آن بکوشید!

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امیر بالیس نابود نمیشود

بنده از صفحه ۱۰

# گزارشی از يك روستا

و تعدادی خوش نشین بود. مبارز قبالا تیم دانستگ از زمینهای ده را برای شش اداره امور مالک گرفته بود و خرده مالکین در مقداری از زمین های ده خود در مسیل رودخانه آب دکرده بودند بصورت دیم کشت میکردند. اما رعیت ها که فعلا بنسروزی زمینهای ده که بوسیله تنها فقات ده مشروب میشد و متعلق به مالک بود، برای مالکین کار میکردند تا گها از حق ریشه (نسق) خود محروم میشوند. در حالیکه قبل از اطلاعات ارضی آنها علاوه بر "کسار" دارای سهم ششم هم بودند. ولی با آمدن تراکشور آنها از سهم ششم هم محروم میشوند و تنها سهم کارشان ناقصی میماند.

رعیت های سابق به جنب و جوش می آیند و در پی تنهایی را بدوی ده که متعلق به یک خوش نشین بوده جمع میشوند، اما جز قبول چاره ای نمی بینند، مساله آنقدرت مالک، دورنمای پراکندگی و در بدی و بالاخره توصیه های محافظه کارانه ریاست سفیدانه باستان را بر زمین قفل میکند. مالک با تصور اینکه ارضی خریده قلم بنسرترا حفظ همان شکل قدیم یعنی "سهم بری" در حقیقت با آنها نوعی مناقطه میکند و این رعایای سابق را که فعلا بنسروزی کارشان را برای معاضه میشوند، عرضه کنند، در توهم "دهقان" بودن باقی میگذازد و بر اشتیاقی حتی خدیو ترا قبل میگردد. با اطلاعات ارضی اگر سیکاری و دیگر موارض مالکانه از بین رفت در عوض حق ریشه دهقانان را هم همراه خود برد، و با یک قدیم تبدیل به بورژوا شد و با زن چندها زمین های خود را توسعه داد. مبارز هم با زن چندها تبدیل به زمیندار رسمی شدند و چند دهقان هم به زحمت با زن چندها به مسوور بخراکتی برآمدند و دهده مالکان افزودند. در ضمن با پربا شدن یک کارخانه در بیژن چند و رواج کشت چند در دیگر سزما به در عمق روابط حاکم برده نفوذ کرد. از یک طرف ده ای از رعایای سابق مجبور به مبارزه بودند و از طرف دیگر ده ای به ده وارد شدند و با رکشت زمینهای جدید پرداختند.

بورژوازی اولیه انقلاب (قبل از برافتادن رژیم شاه) بواسطه حضور و شغرتانی که از شیوهای بزرگ به ده آمده بودند، نظرات قدرتی برده صورت میگرفت و رعایای مطرح شده بگونه ای بود که این ده به کمونیستی بودن معروف میشود. بعد از سرنگونی رژیم شاه ملی القاعده زمین های خریده علم به بنیاد مستقیمین تعلق میگردد و با نورین کمیته ها از شهر به ده سرازیر میشوند و به مناسبت "پیروزی انقلاب" فرمان کشت و کسار را میدهند. در این بین روشنفکران و محملین به شهرها بازگشته و دهقانان را بصورت نامشکسل و

نا آگاه مانی میگذارند. تا قبل از این موقع شعار "مادریه" زمین "بین دهقانان مقبول نیست داشت ولی با حضور ما مورین کمیته و تبلیغاتی که میاشروید دیگر کارگزاران مالک سابق احساس میدهند این شعار آرام آرام محو میشود. تحت نظارت این ما مورین به توصیه آنها برای اداره زمینها مردم ده برای انتخاب نماینده دعوت میشوند و با راهنموده های که "بنیاد" میدهد ما مورین کارگران خریده علم بعنوان نماینده دهقانان انتخاب میشوند. تا سه پیرس وجه خدمات درختان خود را برای مالک جدیدم ادامه دهد. و چیسه کاری سبتر از این برای حفظ خودتان. دهقانان نا آگاه ما اگر به این انتخاب تن در میدهند ولی آتش کینه طفاقی هم چنان در سینه ها برقیله ور میماند.

در موقع برداشت محصول ۵۸ تنیا دهقانان شریفه قتل را ادامه میدهد و محصول ۳۰ تن به یک تقسیم میکنند یعنی سه سهم "بنیاد" و یک سهم دهقانانی که بر روی زمین کار کرده اند و خوشی به ایفای نقش خریده علم میپردازد. در این بین بواسطه تعطیلات تاستان مدهای از محملین و روشنفکران با رد بگریه ده بازگشته و دهقانان ناراضی و بخصوص دهقانان فقیر را رد بگریه قی به انبیا را روشنشان میزدند و ده ای از انبیا تنه هرجه میتوانند از محصولات کشت شده و اینها را بستانا در حقیقت ممداره میکنند. محملین به همراه چند دهقان فقیر محصول باغات سده و انگور ده را مصادف کرده و بر درختانهای ده تقسیم میکنند اما پاسداران نظم دخالت میکنند و مسوورین را دستگیر میکنند که با مقاومت دهقانان در پیرو میشوند و مجبور به رها کردنشان میگردد. اما بالاخره بنیاد دهها فریب محملین از طریق سپردن "مسئولیت" سده آنها از عهده قضیه برمی آید و سهم خود را بدست می آورد.

بعد از مدتی از طرف جهاد سازندگی بهر خند چند نفر دانشجو به ده میومی آیند. میدانم که جهاد سازندگی در بسیاری از نقاط بواسطه بعضی از عناصر صادق خود دارای عملکردی متفاوت است. ارگان های چون "بنیاد" بوده و به خواست های توده ها نزدیک میشود. در اینجا نیز "جهاد" شورایی تشکیل میدهد که مرکب از دو خرده مالک، دو دهقان بی زمین که بر روی زمین بنیاد کار میکنند و یک نفر معلم میباشد. این شوراسرعت در مقابل تسل نامایندگان بنیاد قرار میگیرد و آتش از زرخا کستر میرونی می آید. بطوریکه "بنیاد" برای رزق و نفق امور مجبور میشود که یک "روخانی" راه ده بفرستد اما نمود معوی ایشان برای سرپوش گذاردن بر اشتیاقی ای که "بنیاد" انجام میدهد کاری

انجام نمی دهد و مورد توهمی آشکار دهقانان هم قرار میگیرد. با تصویب شدن قسمتی از طرح رضا اصباسی "جهاد" که حالا دیگر کاملاً رودر روی تنیاد بنیاد است، به شورای ده ما مورین میمد که واگذاری زمین را غنای سازد و کمیته هفت نفری شهرستان بهر چند نیز این موضوع را تاکید میکند اما قضیه این است که تقسیم زمینهای ده با طر این که قدرت با روی و میزان بهره وری از ایشان متفاوت است. با اشکال روبرو میشود و این اشکال را کارگزاران مالک قدیم و جدید ما مورین میزنند و درست همینجا است که مملکرده غلط جهاد سازندگی و طرح اطلاعات خود را نشان میدهد.

روشن است که در اینجا بنیاد بر اساس مافسح بزرگ مالکی عمل میکند. سیستم سهم بری، انتخاب نماینده و سرکوب خود بخود نشان، ماهیت یک بزرگ مالک و ایفای نقش بورژوازی است. اما "جهاد" نیز از حد پیشها ذات یک خرده بورژوازی مطیع بورژوازی جلوتر نمی رود اما بهر حال خرده بورژوازی که میخواهد همه چیز را تقسیم کند. "جهاد" بدون اینکه نگاهی به شعرات اطلاعات ناها نه بنیاد ندارد. حل مساله دهقانی را در تقسیم (بصورت واگذاری به افراد) می بیند. این سیاست خرده بورژوازی که تا نگ دماغ را بیشتر نمی بیند از درک این موضوع عاجز است که اولاً واگذاری زمین حتی بطور مساوی از انجایی که مرغوبیت و تانیا میزان آب زمینها فرق میکند که اینها اولیست تبعیض را خود بخود بوجود می آورند و تبعیضی که از انبیا استفاده از ماشین پیش می آید که تنها معیار اندوخته ای از پیش میتوانند اثباتا مین کنند. و بالاخره از آنجا که اگر کسی نتواند بر روی زمین واگذار شده کشت کند از او گرفته میشود. از همین حالا سرخشت مده زیادی از دهقانان فقیر که فقرت پیاپی امکانی و سرمایه ای جز نیروی کارشان ندارند روغن است.

تنها مورثی که از اتلاف امکانات موجود است و زمین و ماغین آلات جلویگیری میکند کار بهره برداری دستجمعی از طریق شوراهای مرکب از دهقانان بی زمین بر روی زمینهای ممداره شده است، که دهقانان کم زمین به همراه زمین های خود میتوانند به آن جهاد سازند.

وجود این شورا با وجود شورای ده منافات نمی ندارد و میتواند کاملاً با هم همکاری کنند و ولی سپردن امور کار روزندگی دهقانان به شورای بنیاد "جهاد" و انجام واگذاری زمین بصورتی که در طرح اطلاعات مزبور بدلایلی که گفته شد، موجب ورشکستگی ده، زبانی و تبدیل عده معدودی به زمیندار رمرق میگردد پس راهی که "جهاد" عرضه میکند نیز در نهایت نه نورژوازی خدمت میکند و روند فلاکت و بیچارگی دهقانان را از نو آغاز میکند.

برقرا را با دهقانان با پرولتاریا

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستی  
فقط بوسیله کارگران و زحمتگشان امکان پذیر است!

ضمیمه سیاسی خبری 'رومندگان' ارگان سازمان رومندگان آزادی طبقه کارگر  
دوشنبه ۲۰ مرداد تک شماره ۱۵ روال شماره ۲۴

# پیک رومندگان

«کمیته‌های رومندگان مردم در دست  
کمیته‌های رومندگان صاحبان قدرت  
نکته‌های کمیته‌های رومندگان  
قدرت طبقه کارگر و سایر رومندگان  
روشن‌فکران انقلابی می‌گردد»  
والا می‌بینیم هیچ‌کس

## در مجلس چه می‌گذرد؟

۲/۵ ماه است که از افتتاح رسمی مجلس شورای اسلامی می‌گذرد. هر چند که نسبت به ۴ سال دوران قانونی حیات مجلس، مدت کوتاهیست. اما مانند سایر ررات نوده‌ها و بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی آن قدرت که به مجلسان حتی فرصت ظاهری و خودپوشی را نمیده و در همین مدت کم، برای بناسادن ماهیت این مجلس به نوده‌ها، ده‌ها دلیل و مدرک وجود دارد. **بقیه در صفحه ۲۰**

## به مناسبت سالگرد حماسه مقاومت تل زعتر: در پیاداری و مقاومت خلق فلسطین



● مقاومت خلق فلسطین در "تل زعتر" تا دیروز ۵۵۵ شهید حماسه شد. ۵۶۰ روز مقاومت خلق میهمان فلسطین شایسته گردیده شده. در مقابل دشمن از هیچ چیزهای بیدار و بیدار گردیده در مقابل میهمانی نوده‌ها، تنها راه مرخصی سرکوب است. **در صفحه ۳۰**

## از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

اخراج و دستگیری کارگران این مبارز و کمونیت به بهانه‌های مختلف ادامه دارد. در کارخانه‌های تبریز، تهران، سیستان، ری، اصفهان، شرکت نفت اهواز... عده‌ای از کارگران مبارز و انقلابی را با اخراج و در بعضی موارد دستگیری و زندانی کرده‌اند. ما بارها در مقالات مختلف گفته‌ایم که علت اخراج کارگران مبارز و کمونیت، وحشت کارفرمایان و دولت از آگاه شدن و متشنج شدن کارگران است. طبقه کارگر برای رهایی بافتن **بقیه در صفحه ۶۰**

## نگاهی به مبارزه کارگران دلاور کارخانه البرز: چگونه فولاد آبدیده می‌شود؟

اینک بیش از دو ماه است که کارگران مبارز "البرز" کارخانه را به استکری برای مقابله با حاکمیت سرمایه بدل کرده‌اند. و فایده‌ای که در دو ماه گذشته، مبارزات قهرمانانه کارگران را حسن موضوع از ساده به پیچیده ارتقاء داده است، از آسواهیست فراوانی می‌باشد، که تصویر بسیار برجسته‌ای از نقش تجربه عملی طبقه کارگر در فروپاشی توهم کارگران، گواهی به حرکت‌های مستقل در میان آنان، اراده کارگران در تحقق آرمان‌های کارگری، شور و انقلابی آنان در اعمال حاکمیت بر امر تولید، روحیه، تعرضی و سازش ناپذیر آنان بر علیه دشمنان طبقه کارگر و سرانجام، چگونگی طی شدن آن راه پرفراز و نشیبی که ماهیت **بقیه در صفحه ۹۰**

## در صفحات دیگر می‌خوانید:



اعدام انقلابی در سنج: تلاش از تجاع برای سرکوب مقاومت خلق کرد

## در مجلس...

مجلس جمهوری اسلامی در همین مدت کوتاه بسیاری از عجزها را به توده ها نشان داده است. اول از همه اینکه نمایندگان مجلس یا طرفدار حزب جمهوری اسلامی و یا طرفدار بنی صدر و لیتیرالها و ترکیب مجلس همان ترکیب حکومت است. همان تضادها و همان اختلافات که نمایندگان حزب جمهوری اسلامی در آن اکثریت دارند و سعی بسیار دارند که با ریت و لواط و قوا و این جناح خود را در قدرت قوی کرده و مرگ اکثریتی از قدرت را بدست آورند و تمام دعوایهای درون مجلس دقیقاً بر سر همین مسئله است و نه بر سر تصویب قانونی در جهت منافع مردم. خلاصه مجلسی که حکومت ادعا می‌کند، عصاره ای از مجلس است، چیزی جز عصاره ای از هیات حاکمه نیست!

این مجلس با این که نماینده واقعی مردم نیست و امکان ندارد قانونی در جهت منافع کارگران و زمینکشان تصویب کند با این حال، برای محکم کاری، از چند جهت به بند کشیده شده است. یکی شورای نگهبان که قوا نیست و لواط تصویب شده را بررسی می‌کند و حق ندارد و می‌تواند برای تمامی نمایندگان رأی بطل کند.

در حقیقت این مجلس که حکومت با عوا مغریبی کوشش می‌کند که نمایندگان نش را تمام بندگان تمام مردم قلمداد کند، ارگانی بالای سر خود دارد که کارش تطبیق نهایی قوانین همین با اطلاع نمایندگان مردم با منافع هیات حاکمه است. ارگانی که به نهایی می‌توانند مطابق قانون اساسی، اگر چه

فرص محال این آقایان حرف می‌زنند هم نزدیک به منافع مردم بزنند. براحتی روی آن خط بکشند و از اعتبار ساقطش کنند.

خرده بورژوازی حاکم، در به بند کشیدن مجلس حتی به شورای نگهبان هم قناعت نمی‌کند. قدرت های خارج از مجلس بر خود را فراتر از قدرت مجلس می‌دانند بطوریکه آیت الله مشکینی گفته است: "اگر این مجلس از خط امام خارج شود درش رأی بندیم!"

مجلس در ۲/۵ ماه حیات خود چیزهای دیگری را هم نشان داده است. مجلسیان در جریان تصویب اعتبارنامه ها نشان دادند که در سر خوردن با عناصر انقلابی و مرفقی و جلو گیری از ورود آنها به مجلس از هیچ کوشش فروگذاری نمی‌کنند و در سر خوردن با عناصر انقلابی، ساواکی و وابسته، قدر گشاده دست هستند.

نماینده مسجد سلیمان که از طرف سازمان مجاهدین خلق معرفی شده بود حتی اجبار به حضور در مجلس را هم پیدا نکرد، در حالی که اعتبار را می‌داد. آیت الله این همکار تنقابی حاکم سوسیال و فرد معلوم الحالی که مدارک ارتباطی با ساواک توسط برخی از نمایندگان همین مجلس رو شد، با سلام و طلوع تصویب شده به توده ها نشان داد که میزان عدل مجلس را، به منافع توده ها، بلکه منافع این یا آن بخش از هیات حاکمه به تعیین می‌کند. البته نماینده گانی که به آیت الله علت ساواکی بودن رای مخالف دادند، به اشخاص دیگری که در جناح خودشان قرار داشتند با مدارکی از همان نوع و شاید هم مفتضح تر رای مثبت داده بودند. مشکل خسرو قشقایی از بدعوا ها و رای ها نمایندگان در مجلس را و بستگی به جناح های مختلف حکومت

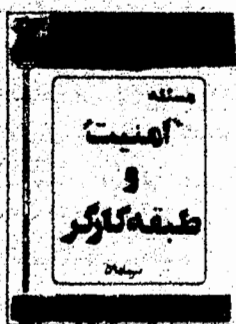
مت تعیین می‌کند. مجلس در دو ماه ونیمگی گذشته از تشکیل آن می‌گذرد، با چندین استعفا روبرو شده است اما این استعفاها که نشان دهنده اوج افتضاحات در مجلس است و حتی به تهدید نمایندگان مخالف اکثریت کشیده است. مرکز نشان دهنده موضع مردمی نمایندگان مستعفی نیست. زیرا همین نمایندگان که از عدم وجود آزادی بیان در مجلس می‌نالند، در مقابل صدها مورد غلبه کاری حق بازاری، تلقیب، انحلال بی رحمانه در انتخابات و صدها نمونه حرکات ضد مردمی حکومت ساکت بودند. آری، اعتراض آنها در جهت تقویت جناح خودشان در هیات حاکمه نیست. دهها و صدها سیاست و عملکرد ضد مردمی مجلس در همین مدت کوتاه یکبار دیگر حقایق این سخن کمونیست ها را ثابت کرده است. اساساً با رلمان نمی‌خواهند ما یا نگر حکومت مردم باشند و حکومت های سرمایه داری با وجود داشتن مجلس نیز نمی‌توانند منافع توده ها را تأمین کنند و حتی وجود چند نماینده انقلابی و واقعی مردم هم در اصل مطلب تغییری نمی‌دهد. و شرکت خود کمونیست ها در مجلس نیز هدفی جز اثبات این مسئله و افشای هر چه بیشتر رذیلت های منافع حکومت های سرمایه داری و متابع کارگران و زمینکشان ندارد.

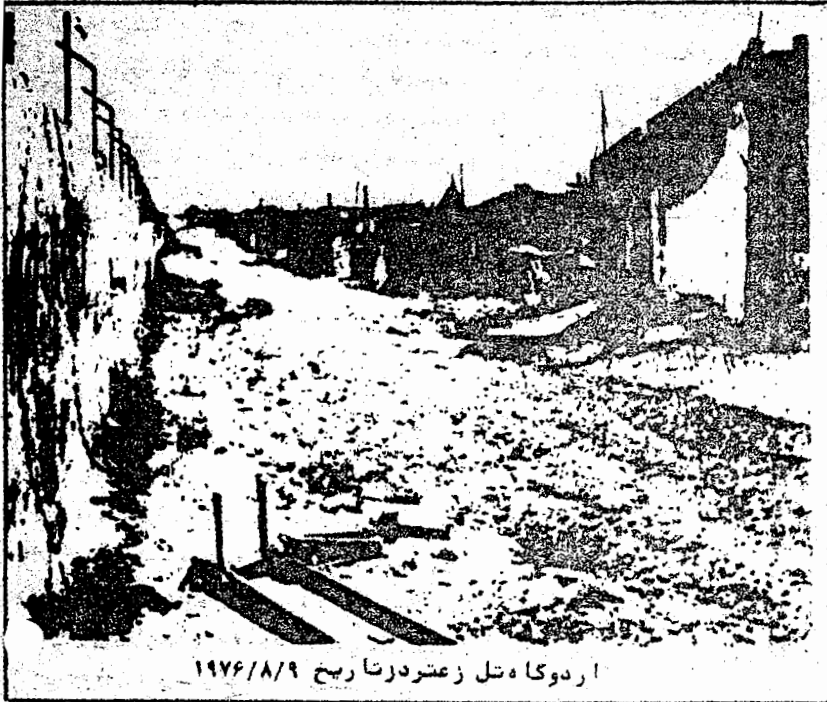
شرکت کمونیست ها و نیرو های انقلابی در انتخابات چند ماه پیش نیز این امر را ثابت کرد. تقلب های فراوان و دور زدن کلک ها و حربه های بیکی که برای جلوگیری از ورود نمایندگان گروه ها و سازمان های انقلابی انجام گرفت بسیاری خیلی از مردم این امر را روشن کرده هیات حاکمه ما. بنده ای را می‌توانند تحمل

کنند که نماینده واقعی منافع توده ها نباشد. نمایندگان که به مجلس راه پیدا می‌کنند در بهترین حالت نمایندگان بی هستند که توده ها را می‌دانند و کاری برایشان نکنند زیرا ماهیت بسیاری از نمایندگان چون رفسجانی، آیت بزدی، بارزگان و... از مدت ها پیش برای مردم روشن شده بود.

دعوا های درون مجلس بر قدرت و عدم رسیدگی مجلس به هیچ یک از مشکلات مردم از قبیل بیکاری، گرانسی، کمبود مسکن و... نشان می‌دهد که مجلس اما مزاده ای است که برای توده های مردم معجزه نخواهد کرد. چیزی که از روز اول انتخابات معلوم بود و روز به روز بیشتر اثبات می‌شود. ضد مردمی بودن مجلس جمهوری اسلامی با زهم این ضرورت را تا یکدیگر که توده ها تنها با اتکا به قدرت کمبود، تنها با مبارزه علیه همین دشمنان خود و علیه هر نیروی ضد انقلابی می‌توانند حواستهای خود بر سنبه شان داد که راه رسیدن به آزادی، استقلال و بیروزی توده ها، نه از چشم دوختن به حکومت و مجلسین و مجلسیان، بلکه تنها و تنها از مسیر مبارزه علیه همین حکومت و مجلس و مجلسیان و تمامی ارگان های حکومت، و سر قرار ی حاکمیت کارگران و زمینکشان می‌گذارد!

ویژه کارگران منتشر شد:





اردوگاه تل زعتر در تاریخ ۱۹۷۶/۸/۹

به مناسبت سالگرد  
حماسه مقاومت تل زعتر:

تل زعتر:

دژ مقاومت و پایداری  
خلق فلسطین

فلسطین مهمترین عملیات خود را انجام  
انجام میدادند. ساکنین تل زعتر  
اکثراً از کارگران کارخانجات صنعتی  
دور و بیرون حمتکشان و دهقانان بوده و از  
روحه مبارزاتی بسیار خوبی برخوردار  
بودند. از همان آغاز جنگهای داخلی در  
لبنان در ۱۹۷۴، تل زعتر به محاصره  
اقتصادی افتاد و حتی مواد غذایی به  
سختی به اردوگاه وارد میشد. اما اولین  
کوشش‌ها برای محاصره و سرکوب نهایی این  
اردوگاه از ۲۴ فروردین ۱۳۵۵ (۲۲ آوریل  
۱۹۷۶) آغاز شد، و شدیدترین حملات از  
۲۲ ژوئن - اول تیر همان سال شروع  
گرفت. جنگ در این مدت شب و روز ادامه  
داشت و مزدوران فلالنژیت با اسلواغ  
سلاحهای آمریکایی و اسرائیلی و با  
پشتیبانی و حمایت کثرت کشورهای  
مرتجع منطقه و از جمله رژیم شاهنشاهی  
ایران، در مقابل خلق قهرمان و مسلح  
فلسطین که تنها سلاح سبک در دست داشت  
قرار گرفتند. محاصره و تیرد ۵۶ روز ادامه  
یافت. ۵۶ روز ساکنان تل زعتر قهرمانانه  
پایداری کردند. زحمتکشان فلسطین  
بعثت محاصره، غذایی اردوگاه، بعد از مدتی  
تی هیچ نوع غذایی جز عدس نداشتند.

و یعنی از خاک این کشور برپا شده و تحت  
اداره نیروهای انقلابی قرار داشت. چون  
خاری در چشم امپریالیسم، صهیونیسم و  
ارتجاع داخلی لبنان بود. وجود یک  
فلسطین قدرتمند و زرمند نمی‌توانست بر  
ای اینان قابل قبول باشد و از اینرو  
توطئه و سرکوب آغاز گشت. از یکسوی کشورهای  
مرتجع عرب و در رأس آنها مصر و یک  
فراوان عربستان سعودی، سعی در تشکیل  
کنفرانس و کشاندن بعضی رهبران ساز-  
شکار خلق فلسطین به پای میز مذاکره  
و به سازش کشاندن خلق داشتند و از سوی  
دیگر نیروهای دست راستی و مزدور را  
لبنان که به آنها فلالنژیت می‌گویند به کمک  
نیروهای ارتش سوریه، پایگاه سازمانهای  
انقلابی را که همان اردوگاه‌های خلق  
آواره فلسطین بوده زیر آتش میگرفتند.  
از سوی جنگ و سرکوب و از سوی دیگر  
سعی در مذاکره و فریب. این روش تمامی  
نیروهای ارتجاعی ضد انقلابی و جنایتکار  
در تمام جهان است.

در این میان اردوگاه تل زعتر نقش  
مهمی داشت. تل زعتر با ۴۰ هزار فلسطینی  
آوار و ۴۰ هزار زحمتکش و کارگر فلسطینی  
بیش از همه در مقابل این توطئه‌ها  
ایستادگی کرد. و سازمانهای انقلابی

خلق فلسطین در نزدیکی به نیم قرن  
آوارگی و خانه بدونی در خاک که امپری-  
الیسم و صهیونیسم ابتدایی ترین  
حقوق را از برپا گذاشته اند ستم‌های  
فراوانی کشیده و در همان حال، با پاید-  
اری و مقاومت زرمند، خویش، حماسه‌های  
بی نظیر در تاریخ بوجود آورده است.

حماسه مقاومت تل زعتر، یکی از این  
دهها قهرمانی‌ها و رشادت‌های خلق  
فلسطین است. تل زعتر، یادآور مبارزات  
بیگساخته، و نا مردمی و جنایت بیگساخته  
امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی  
لبنان و کلیه کشورهای مرتجع منطقه  
عرب و غیر عرب است.

حماسه تل زعتر در حالی بوقوع پیوست  
که بیش از ۲۰۰ لبنان تحت اختیار نیروهای  
انقلابی و سازمانهای مترقی خلق فلسطین  
بود. آوارگان فلسطینی رانده شده از  
وطن خود در اردوگاه‌های دیگر کشورهای  
زندگی میکردند و اردوگاه تل زعتر در کنار  
دهها اردوگاه دیگر در لبنان بوسیله خلق  
مسلح فلسطین و سازمانهای سیاسی آن-  
دازه میشد. این اردوگاه‌ها که در بی-  
مبارزات قهرمانانه و رشادتهای بی‌وزمند  
انه دلاوران فلسطین بر علیه نیروهای  
دست راستی و ارتجاعی لبنان در بخش

هر چه مستحکم تر باد هم بستگی خلقهای قهرمان ایران و فلسطین

اسرائیل شده اما به مبارزه و مقاومت خلق فلسطین است.

رژیم های ارتجاعی منطقه کینه همواره از ترس رشد مبارزات خلقهای خود قمار لایه در سرکوب میزانت ملتخانه خلق فلسطین فعال بوده اند، بیگانه حمایت خلقهای منطقه همواره در جهت

ساکنین اردوگاه دیگر کاری از دستشان بر نمی آمد، سقوط کرد، آنها به نیروهای میانجی قول آتش بس دادند به نمایندگان صلیب سرخ جهانی قول دادند که ساکنین اردوگاه میتوانند از حلقه محاصره رد شوند اما زمانی که هزاران زن و کودک اربنا هگاه خارج شدند، جنایتکار

● رژیم جمهوری اسلامی... مساله فلسطین را که پای امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی رژیم های ارتجاعی منطقه و سیاستهای جنایتکارانه آنها را به میان میکشد، تنها درجه های مذهبی و ضدیهودی خلاصه کرده و در اغلب موارد حمایتهاشان به نیروهای ارتجاعی فلسطین و لبنان از جمله جنبش امل محدود شده است.

فرب آنها، تنها در حرف از خلق قهرمان فلسطین پشتیبانی نموده اند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که خود را حامی مستضعفان میپندارد، در حالیکه دستانش به خون هزاران کارگر و زحمتکش انقلابی و کمونیست میهن مالتس بوده است، برای خلق فلسطین دل میسوزاند. اما این دلسوزی نیز جز از موضع خدا نقلایی و طبعاتی خودش، چیز دیگری نیست. آنها مساله فلسطین را که پای امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی رژیم های ارتجاعی منطقه و سیاستهای جنایتکارانه آنها را به میان میکشد، تنها در جنبه های مذهبی و ضدیهودی خلاصه کرده و در اغلب موارد حمایتهاشان به نیروهای ارتجاعی فلسطین و لبنان از جمله جنبش امل محدود شده است. آنها در حالیکه تمام فلسطینیان در اشغال اسرائیل است چون دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه تنها به بیت الحرام فلسطین چسبیده اند و روز قدس را مظهر مبارزات خلق فلسطین می شناسند.

خلق فلسطین میدانند که در جریان مبارزه اش آنکه به او خیانت نمیکند، آنکه تنها در حرف پشتیبان او نیستند، آنکه تا به آخر با اوست و نیروهای متحد خلق و سازمانهای انقلابی و کمونیست فلسطین است. اگر مبارزه چند سالی فروکش کند، کنترل زعتر با خاک یکسان شود و اگر رژیم های ارتجاعی منطقه کنیفر پس نیرنگ ها را نیز برای به انحراف کشاندن مبارزات آنها به کار بندند، خلق فلسطین زنده است و تا آزادی و رهایی خود از بند ستم و استعمار امپریالیستی و صهیونیستی مبارزه خواهد کرد. ■

ان فاشیست و فالانژیست عام آنها را آغاز کردند هزاران زن و مرد و کودک زیر شکنجه مسلسل های این مزدوران قرار گرفتند. آنان اردوگاه را محاصره کرده و انتقام عذرت روز دلاوری و استقامت خلق و آشکار شدن ضعف و زبونی خود را در مقابل نیرو قهرمانان نگرفتند. هر کس را که به دستشان میرسید اعدام میکردند و دسته دسته مردم را با کتا میونها میبردند. و سرانجام چند روز بعد، بولدوررها اردوگاه را با یکبارکینگ تبدیل کردند.

مقاومت خلق فلسطین در "تل زعتر" با دادن ۵۵۵ شهید جماعه شد. ۶۰ روز مقاومت خلق قهرمان فلسطین ثابت کرد که توده ها در مقابل دشمن از هیچ چیز هراسی ندارند و ثابت کرد که در مقابل قهرمانی شود، همتها را و مرتجعین سرکوب است.

بعد از آن با وجود تسلط نیروهای مرتجع، فالانژیست ها و امل بر لبنان و علیرغم ادامه جنگ داخلی، مبارزات خلق فلسطین در مقابل تمامی نیروهای مرتجع منطقه به اشکال دیگر ادامه یافت. خلق فلسطین در زندان بدر کوچه و خیابان و در دسته های کوچک مبارزه خود را ادامه بخشید. انفجار اماکن در سرزمین اشغال شده توسط دلاوران فلسطین و نیرو در دریا صهیونیست ها و امپریالیست ها، علیرغم سازشکاری رهبران بعضی از سازمانهای انقلابی فلسطینی ادامه یافت، و اینک اعتصاب غذای عده ای از دلاوران فلسطینی که منجر به شهادت دوش از آنان و اعتصاب غذای تمامی زندانیان فلسطینی در

آب مورد نیاز اردوگاه تنها از سرچاه آب تا مین میشد که رفتن بر سر آن خطر مرگ را برای رزمندگان در پیش داشت. تک تیراندازان مزدور به کسی اجازه نزدیک شدن به چاه را نمیدادند و بدست آوردن یک ظرف آب معادل دهها شهید بود. وسایل پزشکی در اردوگاه موجود نبود. و در چنین شرایطی ساکنین قهرمان تل زعتر در مقابل مزدوران فالانژیست مبارزه میکردند. سازمانهای آزادیبخش فلسطین مردم را سازماندهی میکردند، عده ای می جنگیدند، عده ای مواظبت از زخمی ها را به عهده داشتند، پیرزنان غذا درست میکردند، و تعدادی از معلمین و وظیفه روحیه بخشیدن به مردم و سازماندهی سیاسی آنها را به عهده گرفتند. کسی بیکار نبود از کوچک و بزرگ و پیر و جوان علیه مرتجعین، علیه امپریالیسم و صهیونیسم می جنگیدند. اما دشمنان خلق فلسطین تنها مزدوران فالانژیست، صهیونیست ها و امپریالیست ها نبودند جنبش با صلااح محرومان لبنان، این سازمان ارتجاعی که با نام "امل" مشهور است از پشت به خلق فلسطین خنجر میزد. این گروه ارتجاعی که در حال حاضر بسیار مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی است و بسیار از پایگاه گران آن، همچون معطفی چمران، یکی از جلادان خلق کرد، اینک در جمهوری اسلامی صاحب مقام هستند، در واقع تل زعتر، های سیاسی از هیچ جناحی فروگذار نکرد آنها در حالی که تل زعتر زیر شکنجه بین فشارهای مزدوران فالانژیست و عوامل صهیونیسم و امپریالیسم و دیگر نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی بودند، به تخلیه منطقه "نبعه" که نزدیک تل زعتر بود دست زدند تا دست آن مزدوران برای محاصره و سرکوب نیرو در مقابل امت جوینا "تل زعتر" باز باشد. آنها با تخلیه آن منطقه تنها دروازه کمک رسانی به تل زعتر را به نام پشتیبانی و نجات شیعیان محروم در اختیار دشمن خلق قرار دادند و تل زعتر از همه طرف تحت محاصره قرار گرفت.

سرانجام در روز ۲۱ مرداد ۵۵ اردوگاه تل زعتر با نیرنگ نیروهای مزدور فالانژیست که در مقابل مبارزه قهرمانان



● در روزهای "کونان" حدود ۲۵۰۰ جاسوس روسستانی به مقدار ۲۰۰ نفر در زمین متعلق به یک مالک را در این منطقه پس خودتقسیم کرده اند سال قبل نیز روسستانیان دست به همی کازده بودند که با مقابلت و شدت عمل با سواران روسی و گزیده دولتی آنها را انتخاب و یکبارگی، امسال سراجی این کار را انجام دادند.

● در روز ۲۳/۴/۵۹ در سادات آباد (شهرستانی نرسیده به مرودست) بین مردم و سپاه پاسداران درگیری می شود. واقعه از این قرار بود که ۲۵ نفر از اهالی محل تعدادی از زمین های "قوامی" یکی از فتوایهای منطقه را در این سال گذشته از جهاد سازندگی تحویل گرفته بودند که یکم دیگر دو مقدار از آن را هم به جهاد سازندگی بدهند. در روز ۲۳ شرکت این افراد برای برداشت محصول به صحرای سپاه پاسداران از بردن کشیدند سادات آباد جلوگیری میکند و به کشاورزان میگوید باید کندمه را به آرد سجان ببرید و خودتان هم بروید تا هر چند حقان است یکبار دیگر سراجی موضوع بحث درگیری میشود و در تیراندازی سپاه جوانی بنام بدالیه یا محمدی کشته میشود.

عین همین واقعه در مورد دهقانان یا سراجی (از توابع دشت مرغاب) اتفاق می افتد. حربه بالکانی که زمینهای با سراجیست کرده بودند، محصول آن توسط جهاد سازندگی و سپاه پاسداران توقیف

میکرد دولتی درگیری گزارش شده است.

● جریان ضد فتوای شدیدی در مناطق دشت ارزن، روسستانی، اطراف دازاب و میهنی در حال شکل گیری است. درویشانهای اطراف دازاب سوارانهای دهقانی موجود است. یکی از این سواران که از یک نگاه خوبی نیز برخوردار است، سوارای هماهنگی روسهاست.

● در تاریخ ۵/۷ حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر از دهقانان منطقه "برچلو" از توابعی اراک به استاندارای آمده و دست به تظاهرات زدند. جریان از این قرار بوده است که شخصی بنام شهابی که نماینده یکی از زمینداران بزرگ فراری منطقه بوده است، در پی مبارزات دهقانان دستگیر شده و به اراک آورده میشود ولی در آنجا برانسر نفوذ و اقدامات شخصی بنام جعفری آزاد میشود. دهقانان که از این ماجرا مطلع میشوند

● کارخانه شرویتی سران کمیته پاکسازی یک کارگر مبارز را از این کارخانه اخراج میکنند. کارگران مبارز کارخانه شروع به اعتصابی کار فرما و کمیته پاکسازی آنجا میکنند. کارگر مبارز اخراج شده هم به در کارخانه می آید و بلاکاردی با این مضمون راه کارگران می آید: "اگر راه زیستن را نباشد موخه ام راه مردن را حسب آموخته ام. کارگران باید در مورد من تصمیم بگیرند"

عده ای از کارگران با دیدن همزم اخراجی خود به گریه می افتند. و در حالی که کینه شان نسبت به دستان طبقه کارگر فلسطانی را مسوزانند به این نامردمی ها بطاوع میکنند. در ساعت ۲ بعد از ظهر سپاه پاسداران اورا دستگیر

به شهر آمده و دست به تظاهرات میزنند. این حرکت نشان میدهد، بی کثرتی روسستانیان در اجرای عدالت و نشان دهنده کینه آنها نسبت به زمینداران و عوامل مزدور آنهاست.

● احمد با دیکه از دهات دماوند است که حدود ۳۰۰ نفر جمعیت دارد. بیشتر زمین های این ده متعلق به دور زمیندار - احمد رستمی و محمد حسین رستمی - میباشد که از سبب سنان رزم سبایی بوده و در زمان مبارزات خلق مادر سانیهای ۵۷ - ۵۶ ماضی راه پیمایی کشاورزان میشدند و در تمام آن سالها از هیچ ادبیت و آزاری نسبت به کشاورزان فروگردان نمیکردند. بعد از قیام این زالوها تحت حمایت حکومت همچنان به اذیت و آزار و بهره کشی هر چه بیشتر از کشاورزان پرداختند. زمینداران احمد با دیکه با راه انداز مری و سپاه پاسداران را سرانجام کرده و از آنجا خواستند تا در گرفتن زمین های این دهستان از این دهان بیدار باشند. اما با وجود این زمینداران به

کرده و شکمبه مرودست میرد ولی بر ابرافیا گریه های کارگران و نیروهای انقلابی سبب هم سرور و آزاد میکنند. بدخمت کارگران همزم زمیندار برای پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربت را بین

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها پیس کارگران هستند که واقعه به فکر کارگران هستند ولی باید دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرماان در مورد اخراج کارگران سارده بی کثرتی برای بازگرداندن کارگران اخراجی به

مردم گفتند "این زمینها حق آنهاست و آنها با این زمینها را اداسه باشند". اخیراً کشاورزان خسود استین ها را بالا رده و با قصد ربیعی را دستگیر و تحویل سپاه پاسداران میدهند و زمینها را نیز بین خود تقسیم میکنند. محمد حسین ربیعی از ترس خم کشاورزان شبانه فرار را بر فرار ترجیح داده و دیگر در ده آفتابی نمی شود ولی بعد از چند روز یکی از قاضیهای سردیکن را به ده منفرستند تا زمین ها را پس بگیرد. کشاورزان با او درگیر شده و حاضریس دادن حق خود نمیشوند. او نیز با کلنگ یکی از روسانیان را به قتل رسانده و فرار میکنند.

بعد از این واقعه روسانیان نشان دسته جمعی به زاندار مری رفته و خواهان دستگیری فائل کشاورز شهید میشوند. بعد از ۱۵ روز ضایع میشود که سپاه پاسداران میخواهد احمد ربیعی را آزاد کند. روسانیان با شنیدن این حرف دسته جمعی به طرف ساختمان سپاه پاسداران رفته و میگویند اگر آزاد کردید خودمسان او را میکشیم. این کار ختمکشان روسانیان احمد با دیکه مبارزه متحدانه خود مانع آزادی زمین دار شده و از پس دادن زمینها خود داری می نمایند.



سرکار است. ● در دیوان آهین اصفهان که ماه گذشته ۲۵۰۰ تومان از حق مسکن کاسته شده بود با اعتراض کنشی کارگران و شهیدان سپاه اعصاب از آن ماده دو باره همان ۵۰۰ تومان بطور کامل برداشت شده است. ● در اراک توکلی یکی از سرمایه داران معروف شهر که قبلاً به معادله اموال محکوم شده بود، اینک نه تنها از اموال او رفع صادره نشده است بلکه ۲۵ میلیون تومان سراز دولت وام گرفته است. بقیه در صفحه ۸

**بقیه از صفحه ۱۰۱ از اخراج**  
از استعمار سرمایه داری و بیش  
بیردموفیت آمیز مبارزات  
خود به آگاهی طبقاتی نیاز  
دارند. آگاهی طبقاتی به  
کارگران کمک میکند که ماهیت  
استثمارگران و ضد انقلابی  
رژیم های سرمایه داری را در  
هر شکل و فرم آن بشناسند.  
دولت و دشمن طبقاتی خود را به  
خوبی تشخیص دهند. و از آن  
مهمتر آگاهی طبقاتی، به  
کارگران کمک میکند که راه  
درست مبارزه را بیابند. چگونگی  
تغییر نظام استثمارگر  
اندر سرمایه داری را یاد بگیرند.  
و بدانند برای این مبارزه  
به چه تشکیلاتی نیاز دارند و  
چگونه باید با سلاح تشکیلات،  
مبارزات خود را تانایبوی  
نظام سرمایه داری گسترده سازند.  
و هدایت نمایند. روشن  
است که این آگاهی طبقاتی  
کارگران مستقیماً در مقابل  
و سر ضد منافع کارفرمایان و  
دولت حامی آنهاست و منافع  
آنها را به خطر می اندازد و با  
به های حکومت جابول کراسه  
وزیر کوبانه سرمایه داران و  
دولت سرمایه داری را متزلزل  
میکردند. به دلیل همین  
نتیجه کارفرمایان و دولت،  
از آگاه شدن کارگران است که  
آنها دست به اخراج کارگران  
مبارز و کمونیست میزنند.  
چرا که مبارزات کارگران  
آگاه و کمونیست در آگاه  
نمودن کارگران نقش بسزایی  
جستای دارد. کارفرمایان  
و رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله  
پس از به از قیام با تبلیغات  
زهر آکین و انواع توطئه ها  
سعی نمودند بین کارگران  
مبارز و کمونیست و توده های  
کارگر جدایی بیابانند. اما  
هر چه زمان میگذرد سیاستهای  
عوام فریبانه و توطئه های  
آنها بیشترین اثر گردیده

و پیوند و نزدیکی بین کارگران  
مبارز و کمونیست و توده  
های کارگر و خود می آید.

کارگران روشن گردیده است.  
کارگران در زندگی روزمره  
خود می بینند که این رژیم  
سفاقد می در جهت بر آوردن



کرانی کالاها، مغالبت با  
شوراهای واقعی در کارخانه  
ها، حفظ توان بین مذاکره  
آرمانی، لغو و دو سر  
کارگران، اقبال و سستی و  
نا توانی دولت در حل مشکل  
سنگاری، اخراج و سب  
کارگران و بیوزنه کارگران مبارز  
روا که همه و همه ماهیت  
رژیم را هر چه بیشتر برای  
کارگران روشن نموده است.  
در این شرایط است که کارگران  
ن در مبارزه رودر رو با کار  
فرمایان و دولت حامی آنها  
قرار گرفته اند. در این میان و  
با توجه به کم اثر شدن سیاستها  
ی فریب کارانه رژیم در سنگ  
نمودن کارگران و خاموش  
ساختن مبارزات آنها،  
سیاست سرکوب آشکار کارگران  
در دستور کار رژیم جمهوری  
اسلامی قرار گرفته است.

اخراج گسترده کارگران  
مبارز و کمونیست بخشی از سیاست  
سازکوب آشکار کارگران  
است. در شرایط ویژه کنونی  
سعی در شرایط رسد و اعتیاد  
مبارزات کارگران اریکس  
و سرکوب آشکار و همه جانبه  
رژیم جمهوری اسلامی ارسوی  
دیگر وجود، نقش و طایف کار  
گران مبارز و کمونیست برای  
آگاه نمودن، سازماندهی و  
هدایت مبارزات کارگران،  
را دهها برابر حیات و نیرو  
تعیین کننده ترمی نماید.  
در چنین شرایطی رعایت  
مسائل و نکات زیر از طرف  
کارگران انقلابی و کمونیست  
ضروری می بینیم:

### ۱- جدانیت دادن از توده ها:

این درست است که کار  
گران انقلابی و کمونیست به  
عنوان پیشروان آگاه همواره

نیازهای اساسی آنها بر نمی  
دارد بلکه با اقدامات ضد کار  
گری خود هر روز بیشتر به کارگر  
ان و سایر جمعیات فشار  
وارد می آورد.

کارگران می بینند که  
رژیم جمهوری اسلامی با  
اصلی گرانی، کمبود کالاها،  
سنگاری و... راه طور عمده به  
دشمنان می اندازد. اضافه  
دست مزد ۱۸۸۰ ریال امسال  
در مقابل بیش از ۶۰٪ تورم و

ویژگی کنونی جامعه  
و مسئله اخراج کارگران مبارز  
و کمونیست:

بخش عظیمی از کارگران  
تا چند ماه پیش به رژیم جمهور  
ی اسلامی اعتماد داشتند و  
آنها را مردمی و در جهت منافع  
خود میدانند. ولی به مرور  
زمان، با مشاهده اقدامات  
سیاستهای رژیم هر چه بیشتر  
ماهیت مذاکره گری آن برای

در پیشا پیش مبارزات کارگران حرکت نمایند، ولی پیشرو بودن به معنی فاصله گرفتن و جدا شدن از توده ها نیست، باید توجه داشت که مبارزه امر توده ها است، تلاش و کوشش پیشروان آگاه طبقه کارگر باید آن زمان که مبارزه درگیر نیست، در جهت جلب نمودن توده های کارگر به مبارزه و آن زمان که درگیر مبارزه میشوند، هدایت و ارتقاء مبارزاتی آنها در همه حال پیوند دادن آگاهی سوسیالیستی با مبارزات کارگران باشد، مبارزه کارگران با کارفرمایان و دولت قانون مندی ای دارد و از ماده به پیچیده رشد و ارتقاء میابد هر حرکت مبارزاتی کارگران بر اساس یک زمینه عینی و مادی و آمادگی لازم در توده ها صورت میگیرد. در شرایطی که توده ها زمینه عینی و آمادگی لازم را ندارند، کوشش برای راه انداختن یک حرکت مبارزاتی، و یا وقتی یک حرکت کت خود بخودی اعتراضی درمیگیرد، چشم بسته در جهت توسعه و گسترش آن بیک تباری کردن، بدون توجه به انگیزه های کارگران، آمادگی آنها برای ادامه مبارزه، بر آورد و بیش پیش چگونگی برخورد کارفرما و دولت و... مسلماً به جدا افتادن کارگران پیشرو از توده ها منجر خواهد گردید، و به محض یورش کارفرما و حاکمان او چه به صورت یورش سرکوبگرانه و به کمک پاسداران و چه یورش تبلیغاتی و فریب کارانه به سرعت توده ها عقب خواهند نشست و دست کار

فرما و دولت برای جدا کردن کارگران مبارز و کمونیست و اخراج آنها با خواهد ماند. در شرایط کنونی این مسئله اهمیت خاصی می یابد چرا که بعلم نبودن زمینه برای

● طبقه کارگر برای رهایی یافتن از استثمار سرمایه داری و پیشبرد موفقیت آمیز مبارزات خود به آگاهی طبقاتی نیاز دارد.

کارگران اخراجی و تهدید کارگران به اخراج، آنها را بشدت نگران و تا حدودی رو به حیره محافظه کارانه به آنها میدهد. در بعضی از مبارزات کارگران دیده شده که بدنبال یک مبارزه کارگری که منجر به اخراج کارگران پیشرو گردیده است، توده ها آمادگی لازم برای دست زدن به یک مبارزه فعال و همه جانبه را برای برگرداندن کارگران اخراجی به سرکار را نداشته اند.

نباید فقط به وضعیت آمادگی پیشروان توجه داشت و برپا به آن مبارزه را سازماندهی و هدایت و گسترش داد، بلکه مهمترین مسئله و مسئله توده های میانی و عقب مانده توجه شود. به هیچ وجه نباید بین پیشروان و توده ها فاصله بیافتد. و هر گاه چنین حالتی پیش آید باید بلافاصله تا کشتن مبارزه را تغییر داد.

گشایش و پیش بینی برخوردها و تاکتیک های کارفرما و دولت

در هر مبارزه ای

علاوه بر شناخت وضعیت نیروها و خودبا یده وضعیت نیروهای دشمن هم توجه داشت کارگران پیشرو باید قادر باشند سیاست و تاکتیک کارفرما را در برخورد به حرکت های مبارزاتی کارگران برآورد نمایند. و برای هر کدام طرح و نقشه ای غنشی کننده داشته باشند. وقتی که مشخص است، در ادامه یک حرکت پاسداران مداخله خواهند کرد وقتی مشخص است که کارگران آمادگی مقابله با دخالت مسلحانه پاسداران را ندارند باید برای پیشروی مبارزه و یا عقب نشینی منظم آن قبیل از دخالت مسلحانه پاسداران برنامهروشن و مشخصی داشت. تا در برابر یورش و سیاست های کارفرمایان و حاکمان او غافلگیر نشود.

گشایش درست کار علنی و مخفی و تقسیم کار

باید بین فعالیت علنی و مخفی رابطه ای صحیح برقرار باشد. کسانی که شناخته شده اند و علنی کار میکنند، دیگر به

● باید برای پیشروی مبارزه و عقب نشینی منظم آن، برنامهروشن و مشخصی داشت.

کارهایی چون پخش اعلامیه و نشریه نیردا زدن، تمام کارگران مبارز و پیشرو بطور همزمان علنی نشوند. باید در هر کارخانه ای هسته های مخفی پخش بوجود آید که عموماً کارشان پخش باشد تا بقیه کارگران مبارز و پیشرو به خال پردازش، یا پخش یک اعلامیه و نشریه دستگیر و اخراج نشوند.

۴ ایجاد صندوق تعاونی (نیمه علنی - نیمه مخفی)

برای کمک به کارگران اخراجی، ایجاد اطمینان و بالابردن روحیه کارگران درمیگیریم. امر مبارزه و مقابله با تهدید های کارفرما باید صندوق های تعاونی تشکیل داد. این صندوقها نباید آن چنان علنی باشد که کارفرما و مزدوران او از همه چیز آن با خبر باشند (بخصوص محل و چگونگی نگهداری پول) و نباید آن چنان مخفی باشد که از دسترس توده های وسیع خارج باشد.

هنگام مبارزه اخراجی باید روابطشان را با کلر خانه حفظ کنند.

کارگران مبارز و کمونیست در صورت اخراج شدن باید روابط خود را با کارگران پیشرو و حتی توده های کارگر حفظ نمایند تا تا از این طریق، بتوانند در بالا بردن آگاهی کارگران، هدایت مبارزات از پیشروان تا نیرو نقش داشته باشند.

هراخراج کارگران مبارز و کمونیست باید از یک طرف تبدیل به عرصه تبلیغات و افشاگری علیه کارفرما و حاکمان او و از طرف دیگر تلاش و مبارزه گسترده برای بازگرداندن کارگران اخراجی گردد. کارگران اخراجی باید مرتب به جلو کارخانه بیایند تجربه نشان داده که

برقرار باد جمع هوری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۵

## اخبار کوتاه

نیست، به اداره آب رفتند دست به تحن و نظا هرات زدند. مسئولین طبق معمول به آنها وعده دادند.

• ده نفر از عناصر مترقی و چپ و عضو شورای کارخانه چوکا در کیلان اخراج شدند.

• طبق اخبار موشق رسیده، عوامل مزدور رژیم، در شهرهای مختلف برای درهم شکستن سازمانهای انقلابی، علاوه بر تعقیب، دستگیری و شکنجه، برای نفوذ در این سازمانها نیز نقشه میکشند. از جمله در اراک، با اندچماقداران خوا، نزاری نماینده امام در این شهر، زیر پوشش مکتب قرآن و اسلامی دیگری از این قبیل فعالیت کرده و از طریق ایجاد دوستی با هواداران گروههای انقلابی و مخالفت ظاهری با اعمال ضد مردمی رژیم، اقدام به شناسایی اعضا، هواداران گروهها میکنند.

• در کرمانشاه:

در چند مورد با سداران به خانه نیروهای انقلابی و مبارز حمله نموده اند. در دوم مرداد ساعت ۱۱ شب تعداد ۱۲ سدار مسلح به یک خانه در خیابان شاهپور حمله میکنند. با سداران مسلح پشت بام و سرکچه را محاصره کرده چند نفر وارد خانه میشوند. تفتیش خانه منظم و به شیوه ساواک بوده است. چیزی پیدا نمیکند و تنها جوان ۱۷ ساله ای را با خود به سیاه میبرند. دو چند عکس و یک تمهید از او میگیرند که دیگر علیه جمهوری اسلامی اقدامی نکند. این جوان در جریان قیام بهمن شرکت فعال داشته و بعد از قیام هم فعال بوده است. برادر او نیز عضو مبارز و فعال بوده است. در هفته آخر تیرماه تعداد ۸ پاسدار به خانه یکی از انقلابیون در بیل چوبی کرمانشاه هجوم میبرند و ۲ الی ۳ نفر را دستگیر میکنند.

• روز سه شنبه ۱۷ تیرماه:

عده ای از زنان زحمتکش شهرستان ملایر در اعتراض به نبود آب و اینکه نمیشد آب را برای لوله کشی از آنها گرفته اند اما از آب خبری

## توطئه کارفرمایان برای اخراج کارگران مبارز کارخانه دیسمان!



به دنبال اشغال انقلابی کارخانه دیسمان اصفهان و درهم شکستن توطئه کارفرمایان برای تعطیل شرکت، اکنون کارفرمایان حیل جدیدی دست زده است. توطئه ای که در حال حاضر در حال بدست گرفتن کنترل و نظارت بر تولید دیسمان، از سوی کارفرمایان تدارک دیده شده است. اخراج کارگران روزگانه کارخانه میباشد.

عوامل کارفرما در هفته آخر تیرماه از اعتقادات مذهبی کارگران و فرار سیدن ماه رمضان ۵۰ تن از کارگران مبارز را به عنوان خرابکار و اغلالگرو با این اتهام کشته میخواهند که کارخانه را به تعطیل بکشاند. از کارخانه اخراج کردند.

این توطئه از طرف کسانی چون کیانی (ساجانی رئیس کارخانه) و خراسانی (کارگری که اینک معاون تولید شده است) بدری (یکی دیگر از اقوام نزدیک خراسانی)، فریدنی (مزدوری که یکی از امتحارات بنکین شرکت در حاک ظفا روکشتا را انقلابی بوده است)، و نا کمک سیاه با سداران انقلاب اسلامی اصفهان انجام گرفته است.

این عوامل مزدور و ضدکارگران از سازماندهای مبارز کارگران را که از حقوق حقه آنها دفاع کرده اند، اخراج کرده و اکنون لیست دیگری نیز به همین منظور تهیه کرده اند. کارفرمایان در با اخراج این کارگران مبارز روزگانه، زمینه را برای تعطیل کل کارخانه درهم شکستن شورای واقعی آنها و اخراج تمامی کارگران فراهم کند. بخیال اینکه با این کار اتحاد و شکل رزمنده کارگران را درهم شکند و توطئه های کارفرمایان چنین نقش تراز بنگردد.

اما این بار نیز هم کارگران خرابکار که ارتباط خویش را با بقیه کارگران حفظ خواهند کرد و هم کارگران مبارز مشغول بکار با همبستگی و مقاومت و افشای این اعمال ضدکارگری در مقابل این توطئه ایستادگی خواهند کرد و پروژه کارفرمایان میان آنها را خاک خواهند مالید.

## از اخراج...

دادن اعلامیه و تراکت هلی تبلیغی و تهییجی و آگاه گران، کارگران را به حمایت فعال از همزمان اخراجی خود جلب نمایند.

در پایان، تذکر این مسئله لازم است که بدون وجود یک تشکیلات مخفی در کارخانه که بتواند پیاداری و ادامه کاری امر مبارزه را تضمین کند و هدایت نماید، مبارزات کارگران به نتیجه نخواهد رسید. در مقالاتی دیگر به این مسئله خواهیم پرداخت.

دیدن کارگران اخراجی در توده های کارگر شدیداً تأثیر گذارده و احساس همبستگی و حمایت از آنها را برانگیخته است. بخصوص کارگران اخراجی با بدباحت کردن، سخنانی کردن (هنگام ورود و خروج کارگران از کارخانه) و با به داخل سرویس کارگران رفتن، حمایت فعال کارگران را جلب نمایند. کارگران مبارز و پیشرو داخل کارخانه هم باید در این زمینه فعالانه تلاش و کوشش نمایند. و از طریق

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

واقعۀ سفارت و تحریم اقتصادی و بخصوص سلب تسهیلات  
حکومت مبنی بر اینکه رژیم در خط راست و امپریالیسم آمریکا به ایران  
بنا و خواهد کرد بر توهم کارگران دامن زد. کارگران در خانه  
لیکۀ فشار رسیدگی، دستمزد کم، گرانی و قیمت های گزاف اجاره  
خانه، کمربان را بسته بود، خواسته های خویش را به عمد پیروز  
آرمان هایشان در خاک مالاندن بوزه، امپریالیسم، فراموش  
کرده بودند و این وضع سبب شد که کارگران البرز تا پیش از نوروز  
۵۹ با شدیدترین وجهی تولید کنند و سطح آبراهه رقیمی به مراتب  
بالا تر از پیش ارقام برسانند.

ولی واقعیات سر سختند. کارگران کارخانه البرز نیز،  
همچون بخش عظیمی از طبقه کارگر قهرمان ایران، در عرصه های  
مختلف کار و زندگی خویش، رفته رفته به درک واضح تری از آنچه  
در برابر مونسان میگذشت تا ثل آمدند و نیکست توهم آغاز شد.  
کارگران البرز بویژه در سنگر کارخانه هر روز نا هدا ن بودند که  
حکومت مدبران دولتی و در کنار آنها سرمایه دار فرانسوی (کسبه  
چهل درصد سهام کارخانه هنوز هم بدانان تعلق دارد) شیر  
جانتان را می مکند و با فروش دسترنج آنان به زحمتکشان این  
مردم بوم، با قیمت های کم ترکن، ثروت های کلانی به جیب میزنند  
و حتی از آن نیز به کشورهای امپریالیستی روانه میکنند.  
چنین شد که به تدریج تصویر حاکمیت سرمایه و واقعیت استثمار  
در اذهان پاکشان شکل گرفت و جان یافت. اینک جرقه های  
لازم بودند تا آتش به خرم این کینه های انباشته راه یابد!

نگاهی به  
مبارزه  
کارگران  
دلور  
کارخانه  
البرز:

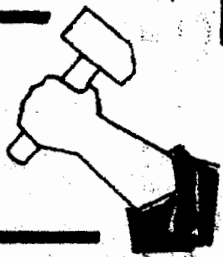


## چگونه فولاد آبدیده میشود؟

بفید از صفحه ۱۰  
مدکارگری حکومت حامی سرمایه را بر ملا میکند، به صراحت کم  
نظیری نشان میدهد، آنچه که در این میان، وقایع کارخانه  
البرز را به نموده مناسبی برای بررسی دقیق تر آن تبدیل  
میکند، وجود این واقعیت است که این کارخانه در دوران بعد از  
قیام همواره فضایی کاملاً سیاسی داشته است.

کارگران کارخانه البرز در دوران قیام وسیعاً در مبارزات  
مهرمانانۀ زحمتکشان ایران حضور فعال داشته و از آنجا که  
آرمان های خود را بوسیله، وهیری انقلاب قابل حصول میپندارد  
شوند پس از فروری پایهای ظالمانه، سلطنت پهلوی، حکو  
مت جدید را حاصل قیام خود دانستند. کارگران که جان پر  
کف در صحنه های سرد خیابانی برای سرنوشتی رژیم شاه جنگیده  
بودند و در اغلب موارد در صف مقدم سنگرهای حیابانی میبرز میدند  
دولت بقدرت رسیده را شمره انبازی های خود پنداشتند و به حما  
یت شدید از آن دست زدند. اما همانطور که میدانیم، حکومت جدید  
چهارا بیدیه سمثی میرفت که توهم کارگران و زحمتکشان کمتر  
این قرابت و همسویی با آن نداشت. کارگران کارخانه البرز  
همچون بخش عظیمی از طبقه کارگر ایران، اطمینان به حکومت  
موجود را با کینه به نظام سرمایه داری پیوند زدند. کارگران  
البرز بدلیل نا آگاهی نسبت به ماهیت حکومت، تصور میکردند  
که این دولت میتواند سرمایه داری را از بین ببرد و با دولتی  
بدن کارخانه هر چه بیشتر توهم کارگران افزوده گشت. بوهتم  
و اعتماد به دولت به حدی بود که کارگران در مرداد ۵۸ فعالیت  
از عملیات سرکوبگرانه و صدا اعلامی دولت در کردستان حمایت  
نکردند.

## آزهر جرقه حریق برمی خیزد!



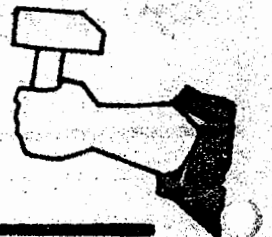
زمانیکه کارگران در یافتند که هیئت مدیره دولتی بسیاری  
مباشند. مهران سودویزه، به حمایتی، دوازه هزار تومان رس  
دادند است با سودویزه را مطابق میل آنان تنظیم کند، ولولگی  
در میان کارگران افتاد و خواسته های کارگران شکل گرفت. در  
آخری این تحولات شورا، کارگران مصرانه را به بندگان حوا  
سبند تا ما جای رشوه، دوازه هزار تومانی را بدقت دنبال کنند.  
و شورای جدید که ترکیب نا همگونی داشت و اعای آن از عناصر  
مهرتی و صدمه به دارولی نا آگاه و نیز از افراد سازشکار و  
حتی یک نفر سرمایه دهنده، کارفرما تشکیل شده بود شروع به کار کرد.  
ار همان روزهای اول بین نمایندگان شورا با هیئت  
مدیره و سرمایه دهنده دولت، بر سر اختیارات شورا درگیری آغاز شد  
همچنین، احیای بر سر مفهوم کلمه، "پاکسازی" بوضوح عیان  
شود. کارگران میخواستند رشوه دهندگان دوازه هزار تومانی  
و رشوه کسریکان و عناصر مفت خور را پاک سازی کنند و هیئت  
مدیره نام خواست بدنبال کارگران آگاه و مبارز و احراج  
آنهاست. کمی بعد بدنبال بالا رفتن دستمزد به میزان ۱۰۸ ریال  
مؤخری از اعراض در میان کارگران بلند میشود. آنها که بدلیل  
بوهتمان نسبت به مبارزات صدا امپریالیستی حکومت، با رهبا



بر شدت کار افزوده بودند و در مواردی مانع کم کاری یکدیگر میشدند، اینها به صورت یکپارچه دست به کم کاری میزدند. آنها میخواهند که افزایش دستمزد با توجه به میزان تولید و میزان گرانی روز افزون تعیین شود. اینها را دیگر سخنرانی های نما بنده دولت مبنی بر لزوم تولید بیشتر و خطر محاصره اقتصادی، کمترین اثر بر کارگران نداشت و حتی تهدید به تعطیل کارخانه هم بر کارگران اثری نمیگذارد. کارگران، گماشتن هیئت مدیره سرسپرده سرمایه داران را چشم می بینند، آنان باقی ماندن سهام فرانصوب و مدیرفرا نصوب در کارخانه را می بینند، آنان بخوبی شاهد هستند در حالیکه بنی مدرن گرانفر و رابیش از ۵۰٪ ارزیابی میکند، فقط ۱۰۸ ریال یعنی ۱۲٪ به حقوق کارگران اضافه میکنند. واقعیات تلخ زندگی زحمتکشان، به سرعت توهم و اعتماد به دولت سرمایه داری را از میان خواهد برد.

شورا و هیئت مدیره وارد مبارزه میشوند. مساله اضافه تمزد از یکسو و میزان قدرت شورا از سوی دیگر، موضوع هایی هستند که آتش مبارزه را شعله ورتر میکند. در این میان، گودرزی معاون نماینده دولت در کارخانه، با توهمین کردن به یکسای از نمایندگان شورا، آتش خشم کارگران را به همه جا میکشاند. اخراج گودرزی بصورت خواست درجه اول کارگران درمی آید. کارگران بلافاصله اجماع جمع کرده و طوماری بر علیه گودرزی تهیه میکنند و به دیوارهای کارخانه میچسبانند. نماینده دولت که موقعیت معاون خود را در خطر می بیند به تگاپو می افتد و طومارها را از روی دیوارها پاره میکند و برای جلوگیری از اخراج گودرزی، مقابل کارگران میایستد.

## کارگران اداره کارخانه را بدست توانای خود می گیرند!



صبح فردا (۲۸ خرداد) کارگران شیفت شب به کارگران شیفت صبح می پیوندند و به دعوت نماینده کارگران، برای تصمیم گیری و اخراج گودرزی جمع میشوند. نماینده شورا به کارگران اطمینان میدهد که نه فقط گودرزی، بلکه تمام عناصر مدکارگر کارخانه اخراج خواهند شد. کارگران خشمگین، از نمایندگان جلوتر میروند و اخراج گودرزی را در همان لحظه از شورا میخواهند. اما شورا کمی تخفیف میدهد و اینکار را به ساعت ۸ موکول میکند. نمایندگان دولت سرمایه داری ترسان از خشم کارگران در دفترهایشان جمع میشوند و در ساعت ۸ صبح ترسان و لرزان کارخانه را ترک میکنند.

کارگران که بنمبرانه منتظر اینکار بودند، با اراده پولادین و با باور توانای خود، کارخانه را اینبار بدون وجود سرمایه داران مفت خور، بکار می اندازند. شورا اعلام میکند که کارگران به تولید خود ادامه دهند. اما از خروج کالا به خارج خودداری میشود. آری! کارخانه به دست توانای کارگران

در شرایطی که مبارزه طبقه کارگران کارخانه خاد می شود، کارکنان کارخانه چاره ای ندارند جز آنکه در مقابل این صف آراییی موضع خود را روشن کنند. کارمندان که همواره جیره خواهر کارفرما هستند در چنین مواقعی به صف سرمایه داران می پیوندند و وحشت خود را از حاکمیت کارگران نشان میدهند.

جمع میگذازد. آنروز، خبری میگوید که به هر وسیله شده نظم کارخانه را به هم میزنند. و تلفنی از سرپرست ها میخواهد که به دفتر مرکزی بروند. اما کارگران اجازه نمیدهند. نماینده امپریالیست های فرانصوب که تا آن روز خود را به موش مردگی زد بود اینک وخت زده پا پیش میگذارد و کارگران را تهدید میکند. او میگوید اگر کارخانه به وسیله کارگران اداره شود، به اربابان فرانصوب خود اطلاع خواهد داد که از پرستان مواد اولیه خودداری شود. سرمایه داران سراسر جهان متحدند! اما در مقابل اتحاد کارگران هیچ غلطی نمیتوانند بکنند!

علاوه بر این اتفاقات کارمندان حسابداری هم به عنوان اعتراض به اخراج گودرزی - و در واقع از وحشت عدالت کاری که آنها را به عقوبت رشوه خواری و دزدی برساند - دست به اعتصاب میزنند. کارگران که از این وضع عصبانی شده بودند به آنها پیغام میدهند که هر چه زود تر به سرکارها بپتان برگردید و یا همین حالا گورتان را گم کنید تا کارگران با سواد بجای شما کارهای حسابداری را انجام دهند.

کارگران با تکیه به نظم پولادینشان و با پشتگرمی نسبت به اتحاد شکستناپذیرشان، کمترین واکنشی از این توطئه های بی درپی و کثیف نشان نمیدهند. آنها وقتی متوجه میشوند که اعمال ضدکاری حسابداران، بخشی از حیل های رژیم سرمایه داران است، سرعت دست به کار میشوند تا یک صندوق اعتصاب درست کنند. اینبار ریز کارگران قهرمانان البرزگوشه ای از فدائ کاری کارگری و آزاده، خلل نا پذیر کارگران را نشان داده، بار دیگر ثابت میکنند که وقتی کارگران متحد باشند جها نرا به زانو در خواهند آورد. هر کس هر چه در پهل پس انداز کرده است می آورد تا صندوق را پر کنند. یک کارگزن زحمتکش، که نتیجه پسانداز سالها زحمت و رنج خود را در ذره جمع کرده است تا شاید روزی بتواند به مکه برود، پنجاه هزار تومن پس اند



از شماره یک عمر محنت و رنج خود را بایثاری که فقط از یک کارگر زحمتکش برمی آید به صندوق می پردازد، بسرعت صد و پنجاه هزار تومان جمع میشود تا کارگران از این لحاظ هم دغدغه ای نداشته باشند.

اولین روز تسخیر انقلابی کارخانه با موفقیت به پایان میرسد. روز دوم، کارگران با اشتیاق بیشتری بکار میپردازند، بطوریکه تولید نسبت به روزهای قبل بالا می رود. کارگران مواظب همه چیز هستند. آنها میکوشند هیچ اختلافی میانشان بروز نکند، تا سرمایه دارانی که در کمین نشسته اند، حسرت تفرقه در میان کارگران، بردلهای کشیفشان بهمان اعدای از کارمندان، نومیثدانه به حرکت های ضد کارگری خود ادامه میدهند.

■ در روزهای اشغال انقلابی کارخانه، کارگران بخوبی دیدند که کارفرمایان در تولید هیچ نقشی ندارند و این فقط دستشان توانای کارگران است که کارخانه را میگردانند.

نهانای مینویسند و طی آن به اخراج کودکان و دولتتاشی اعتراض میکنند. از بیست و یک کارمند، چهارده نفرشان ایمن نامه را امضاء میکنند. در شرایطی که مبارزه طبقاتی در کارخانه بنچین حاد میشود، کارکنان کارخانه چاره ای ندارند تا مقابل این صف آرائی موضع خود را روشن کنند. کارمندان سی دهمواره جیره خوار کارفرما هستند. در چنین مواقعی به صف کارفرما میبوندند و وحشت خود را از حاکمیت کارگران نشان میدهند. بعضی از کارگران ناآگاه نیز ممکن است در این صف بندی - در محل - صف کارفرما را تقویت کنند. در کارخانه البرز، چند نفری زکارگران ناآگاه با غرولندهای خود، در عمل به سرمایه داران دمیتر کردند. آنها که ابتدا، اعتصاب حسابداران را بهانه کرده و فوق میخواستند، پس از اینکه به همت کارگران صندوق اعتصاب رست شد، به بهانه های دیگری رو آوردند و غرولندشان را ادامه دادند. کارگران که بخوبی میدانستند هیچ چیز جز وحدت آنها، از فرما را به وحشت نمی اندازد، با هوشیاری کم نظیری مواظب بن واکتس ها بودند و با پختکی بسیار، این اقدامات را خنثی میکردند.

علاوه بر اینها شورا هم برای افشاکری توطئه ها، فعالیت دیدی میکرد. اعضای شورا هر روز جلسه سخنرانی میگذازد و از گران را در جریان تمام وقایع قرار میدادند. کارگران سنگ به چشم خود میبینند که در تولید، سرمایه داران و نهاندگان آنها کسبی هستند که تنها میخواهند سرنج کارگران

را بین خود تقسیم کنند. آنها بخوبی میبینند که کارفرمایان در تولید هیچ نقشی ندارند و این فقط دستان توانای کارگران است که کارخانه را میگردانند.

نمایندگان شورا، با کارمندان اعتصابی، با دفتر مرکزی کارخانه و با وزارت صنایع و معادن وارد مذاکره میشوند. کارمندان دست از اعتصاب میکشند و اعلام میکنند که با شنیدن حرف های کارگران قانع شده اند! معلوم است که وقتی توطئه اعدای از کارمندان، با درست شدن صندوق اعتصاب نقش بر آب میشود، آنان دست از مقاومت برمیدارند!

اما خبری و دارو دستش هر روز مذاکره را کس میدهد و بهانه میکشند. مسئولین وزارتخانه هم با شنیدن حرف های اعضای شورا، در بست حق را به هیئت مدیره میدهند و کارگران را بدلیل اینکه در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده اند، "ضد انقلاب" خطاب میکنند. آری، آگوره مبارزه طبقاتی، کارگران را آبدیده میکند. همان کارگرانی که با انقلابشان اینان را به وزارت رسانیده اند، اینک از نظر آنها "ضد انقلاب" شده اند. آقایان "انقلابی" بخود اجازه میدهند تا آنان را سرکوب کنند. اتوهم نسبت به حکومت، همچون بهمنی که در مقابل آفتاب سوزان مبارزات قهرمانانه، کارگران قرار گرفته است، فرو میریزد و پاهای کاه سرمایه را میلرزاند.

روز اول شیر، خبری از دفتر مرکزی تلقین میکنند و میگویند تمام یازده نفر اعضای شورا برای مذاکره با او به دفتر مرکزی می آیند. کارگران که دستگیری نمایندگان کارگران کارخانه ساکا، به آنان درس جدیدی از توطئه های حکومت را آموخته است، با اینکار مخالفت میکنند و از رفتن نمایندگان خود به دفتر مرکزی جلوگیری میکنند. در همین روزهاست که حیدری - جاسوس کارفرما - که عضو شورا است وقتی در مقابل اتحاد کارگران خود و اربابانش را عاجز می بیند، استعفا میکند و میخواهد به این وسیله میان کارگران تفرقه بیندازد. او وقتی میخواهد برای بخشی از کارگران سخنرانی کند و ادعا میکند که خیال دارد موکلینش را به دلایل استعفای خود آگاه کند، با اعتراض کارگران روبرو میشود. کارگران به او میگویند: "تا مرده ای که در این لحظه بحرانی استعفا کرده است، دیگر موکلینی ندارد که برایشان حرف بزند!"

خبری و دولتتاشی، وقتی از آمدن اعضای شورا به دفتر مرکزی نا امید میشوند خودشان به کارخانه می آیند. امواج کینه و نفرت کارگران نسبت به این مزدوران آنچنان شدید است که بکلی نا امید میشوند.

شورا به آنها اجازه ورود میدهد. آنها خیال دارند توطئه جدیدی سوار کنند. سرمایه داران که در مقابل قدرت کارگران عاجز و زبون شده اند، سرانجام تصمیم گرفته اند که به بخشی از خواسته های کارگران جواب دهند، تا از این طریق بار دیگر حاکم

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

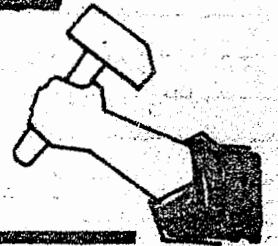


کمیت خود را مستحکم گردانند. خبری اعلام میکنند که خواستگاه کارگران را پذیرفته است و کودرزی را اخراج کرده اند. موجی از شادی و رضایت میان کارگران ایجاد میشود. آنها قدرت اتحاد خود و بیچارگی سرمایه را چشم میبینند. اما اعضای دفتر مرکزی، این خبر را آورده اند تا مقدمای برای توطئه های بعدی کارفرما باشد.

مدیران حاضر به مذاکره با شورا نمیشوند و میگویند می خواهیم با خود کارگران صحبت کنیم! کارگران قاطعانه پیغام میدهند، اگر این دونفر یا نشان به بخش آنها برسد، بیا های آنها را قلم خواهند کرد! کارگران بخش های دیگر هم به آنها محصل تمیگذارند. یکی از آنها پشت بلندگورفته و از کارگران تقاضا میکند که در خیاط جمع شوند. هیچ کس به حیاط نمی آید! مدیر مزدور که خود را در مقابل کوه استوار و با عظمتی از قدرت کارگران آن متباد، چاره ای نمی بیند که حرف هایش را از همان پشت بلندگو، برای کارگران بگوید. دیری نمیگذرد که با وحشت توجه میشود که کارگران مشغول سوت زدن هستند و هیچ کس به حرفش گوش نمیدهد! اما وقاحت مزدوران سرمایه با نسی ندارد. او به حرف هایش ادا می دهد که ناگهان با هوک کردن کارگران روبرو میشود! کارگران برق هم بیکار ننشسته و بلند گوها را قطع میکنند!

مدیر مزدور، اینبار در میان خنده های تمسخر آمیز کارگران بیزیر می آید و در گوشه ای پنهان میشود! اعضای شورای کارخانه برای نشان دادن قدرت خود ادا می ماعات کار در آن روز را تعطیل اعلام میکنند، و کارگران بیکار رچه و منفرد دست از کار میکشند.

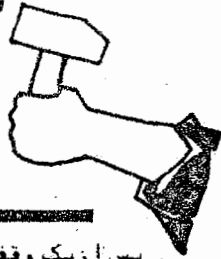
## باز هم ضربه ای دیگر بر یکرتوهم!



درباره اینکه شورا چه میزان اختیارات باید داشته باشد، اختلاف مهمی میان کارگران و هیئت مدیره وجود دارد. شورا ممن اینکه مایل است هیئت مدیره به سرکار بازگردند، اما برای کارگران حق نظارت بر کارخانه می خواهد. این موضوعی است که حکومت به هیچ وجه زیر بار آن نمیرود. بخصوص که بنی مدرهم با مزاحمت و وقاحت اعلام کرده است که "شور، پورا مالیده!" کارگران چشم امیدشان به امام است آنها فکر میکنند که امام از آنها حمایت خواهد کرد. روز چهارم تیر، کارگران خبر میشوند که کانون شوراهای اسلامی می خواهد پیش امام برود و نظرات را در باره شوراببرد، کارگران دونفر از اعضای شورا را با ضبط صوت روانه میکنند تا آنها هم در این جلسه حضور پیدا کنند. امام در جلسه آنروز، با وجود اینکه میدانست کارگران برای چه آمده اند، حتی یک کلمه هم در باره شور صحبت نکرد. آنروز تنها ما به مجاهدین و کمونیست ها حمله کرد. نمایندگان شورا سرافکننده به کارخانه بازگشتند. خبر مثل بمب در کارخانه می پیچد. کارگر-

ان شدید اعصابی شده بودند. آری کارگران در همه این مبارزه پیش از آنکه به پیروزی دست پیدا کنند، درس های بزرگی برای آینده طبقه کارگری آموزند. فردای آنروز، دولت شاهی و اعضای دفتر مرکزی به کارخانه می آیند و اعلام میکنند که حقوق کارگران را پرداخت خواهند کرد. آنها که از اتحاد کارگران عاجز شده اند چاره ای ندارند جز آنکه امتیازاتی بدهند، تا دوباره انگیزان پیدا کنند که توطئه های کثیف خود را آغاز نمایند. به این ترتیب هیئت مدیره دوباره به کارخانه راه پیدا میکند و در جلسه ای که با اعضای شورا ترتیب میدهند، قرار میشود شورا در یک فرصت ده روزه اساسنامه ای برای تعیین حقوق و وظایف شورا تهیه کند و دولت شاهی نیز به اسم مدیر کارخانه، فعالیتش را آغاز کند.

## عقب نشینی برای هجوم!



پس از یک وقفه کوتاه حاصل از پیروزی، مجدداً شورا و هیئت مدیره بر سر دستمزد درگیر میشوند و ادا می این درگیری مجدداً به بحث درباره حدود اختیارات و وظایف شورا کشانده میشود. شورا بکم کارگران آگاه و مبارز، اساسنامه ای تدوین میکنند که حدود اختیاراتش در آن ترسیم شده است. این اساسنامه با مخالفت مدیریت روبرو میشود. شورا مجبور به استعفا میشود و این خبر را به کارگران اطلاع میدهد. کارگران مجدداً پشت سر شورای خود بسیج میشوند. فردای آنروز (۲۷ تیر) فکری

توهم نسبت به حکومت، همچون بهمنی که در مقابل آفتاب سوزان مبارزات قهرمانانه کارگران قرار گرفته است، فرو میریزد و پایه های کاخ سرمایه را میلرزاند!

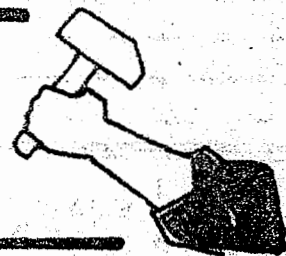
کارخانه از عداوت رعد آسا و متحد کارگران لبریز میشود. آنها فریاد میکشند: "شورا، شورا، حمایت میکنیم" کارگران با قاطعیت به هیئت مدیره پیغام میدهند که با خواسته های کارگران را برآورده کن و با گورت را کم کن! کارگران همچنین دولت شاهی را که میخواست سخنرانی کند، از پشت بلندگو با تین میکشند و در حالیکه شعار میدهند: "در سنگر شوراها، نبرد با کارفرما" در محوطه کارخانه راهپیمایی میکنند. کارفرما مجدداً عقب می نشیند و مذاکره را با شورا آغاز میکند. اما هیئت مدیره اینبار به حيله جدیدی متوسل میشود و مذاکره را به موضوع اضافه دستمزد میکشاند و در این زمینه طرح هایی پیشنهاد میکند. آری، این حيله گران از هیچ ردالتی برای منحرف کردن مبارزات کارگران فروگذار نمیکنند. آنها می خواهند با اینکار میان کارگران تفرقه بیندازند. اما شورا



هوشیارانه این طرح ها را رد میکند.

در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که با توجه به انرژی انقلابی کارگران، شورابهتر بود خواهی کارگران را تنظیم میکرد و بدون شرکت در این گونه مذاکرات انحرافی - کینه فزینکاری هیئت مدیره در آن آشکارا چشم میخورد. برای جواب گرفتن فرصت تعیین میکرد. در حقیقت مذاکره با این دلالت در خبلی از موارد، به فزین خوردن نمایندگان ساده دلی می انجامد که عمدتاً درک درستی از ماهیت سرمایه داران ندارند و در پیچ و خم این مذاکرات طولانی و فزین دهنده، سردرگم میشوند. در این جور مواقع، کارگران کمونیست، که در کدورتی از ماهیت سرمایه داران دارند، کمتر فزین این حیلگری ها را میخورند. در کارخانه البرز، پیچ و خم این مذاکرات فزینکارانه، نشانه هایی از تزلزل را در نمایندگان شورابه وجود آورد. روز ۲۹ تیر، زمانیکه اعضای شورابه هیئت مدیره مشغول مذاکره هستند، یکی از اعضای هیئت مدیره حکم اخراج ۵ نفر از کارگران فعال و مبارز را که همیشه از حقوق و منافع کارگران دفاع کرده اند، بدستشان میدهد. خبر در کارخانه پخش میشود. کارگران از این تصمیم هیئت مدیره شدیداً خشمگین میشوند آنها بخوبی درک میکنند که اخراج این عناصر فعال و مبارز، مقدمه نقشه خائنه ای است که میخواهد کارگران آگاه و مبارز را از یقیه جدا کرده و سپس تمام کارگران را سرکوب کند. شوراهای فرمان توقف تولید را میدهد. تمام چرخهای عظیم کارخانه بناگهان - به اراده کارگران - از کار می افتد. هیئت مدیره در مقابل این اتحاد دیوالدین به وحشت می افتد و توطئه های پیش نقش بر آب میشود. وزبون و بیچاره از قدرت کارگران به تکاپوی یافتن راه حل دیگری می افتد.

## پاسداران سرمایه به میدان می آیند!



تمام حربه های هیئت مدیره بر علیه کارگران، از کسار افتاده است. کارگران آگاه و هشیار کارخانه البرز را آگاهانی هر چه تمام تر، تمام توطئه های کارفرما را، از فزین و نیرنگ گرفته، تا تهدید و ارباب و اعمال فشار و ایجاد تفرقه، برای درهم شکستن صف متحد کارگران، برملا و رسوا می سازند. برای کارفرما فقط آخرین حربه باقی است. سرکوب آشکار! صبح روزی و یکم تیر، کارگران وقتی وارد کارخانه میشوند، یک جیب حامل پاسداران را در محوطه می بینند. نگهبان کارخانه همچنان از ورود کارگران اخراجی جلوگیری میکند. کارگران که از حضور پاسدار در کارخانه تعجب کرده اند، بزودی وقتی از رفقای اخراجی خود حمایت میکنند و میخواهند آنها را از وارد کارخانه کنند، متوجه نقش این پاسداران میشوند. آری، پاسداران انقلاب (!) هم، در حقیقت همان پاسداران سرمایه هستند. مبارزه میان پاسداران و کارگران آغاز میشود.

برای خیلی از کارگران، تازه معنای واقعی اخباری که از اردیو و تلویزیون پخش میشود، آشکار شده است! معنای واقعی انقلاب و ضد انقلاب حالا روشن میشود! کارگران هر روز درس تازه ای فرا میگیرند! درگیری ادا می کنند. می یابند و پاسداران کارگران اخراجی را دستگیر کرده و با خود میبرند. حالا دیگر عضو شورای دو دسته تقسیم شده اند. شورایک که به عقب بر میگرداند و کارفرما بلافاصله یک کامیون میگذارد. در حالیکه کارگران قالب ساری، تصمیم به اعتصاب میگیرند. در حالیکه دو بخش موبیل تمام کارگران امضاء جمع میکنند و در حالیکه تعدادی از کارگران برای آزادی رفقای زندانی خود تقاضای راهپیمایی بسوی کمیته را میکنند، اعضای شوراهای فقط به این اکتفا میکنند که بدنبال کارگران دستگیر شده به کمیته بروند!

## در مذاکره با کارفرما، کارگران کمونیست که درک درستی از ماهیت سرمایه داران دارند، کمتر فزین حیلگری های کارفرما را میخورند.

فردای آروز دو نفر از کارگران دستگیر آزاد میشوند و به کارخانه باز میگردند. اما وقتی هیئت مدیره یکبار دیگر تلفن میکند، پاسداران دوباره باز میگردند و هر دو نفر را دستگیر کرده و به خود میبرند. هیئت مدیره کام جدیدی به جلوی میبازد. یکی از اعضای شوراهای اخراج می کند. کارگران اینبار خشمگین از خود سری کارفرما، با دولتتانی کلایز میشوند و کتک مفعلی به او میزنند. اما باز هم پاسداران به کمک سرمایه داران می آیند. کلوله های آمریکایی فضای کارخانه را به دود باروت آغشته میکنند. پاسداران کارگران را بزور اسلحه ماکت میکنند و بعد برای شان سخنرانی راه می اندازند! آنها با نفرت بی اندازه ای به کمونیست ها بدوبیراه میگویند و با زور سر نیزه میخواستند (!) کارگران را "قانع" کنند که این پنج کارگر مبارز و کمونیست باید اخراج شوند. در اینجا شوراهای عقب می نشیند و سرمایه داران جلوتر می آیند.

فردای آروز، کارفرما کارخانه را می بندد و سربس ها بدنبال کارگران نمی روند. شوراهای از هم می پاشد و کارگران آن نمیدانند چه باید بکنند. پاسداران مسلح پنج تن دیگر از کارگران را که به نفرشان عضو شوراهای هستند دستگیر میکنند.

هم اکنون پنج نفر از کارگران در اسارت سربس میروند. جرم آنها مبارزه با سرمایه داری و دفاع از منافع کارگران است. اما رژیم مزدوران آنها به این کارگران مبارز و انقلابی "اخلالگر" میگویند. اخلالگر و ضد انقلاب! با اینحال، کارگران کارخانه البرز، و نیز تمام طبقه کارگر قهرمان ایران دشمن قسم خورده، سرمایه داری هستند. اگر هنوز حکومت جمهوری اسلامی به همه کارگران "اخلالگر" و "ضد انقلاب" نگفته، اگر هنوز



میتوانند صورت بگیرد.

۳- نقش انگل مفتی کا فرما: در طی مدتی که کارگران البرز تولید را بدست توانای خود گرفتند نشان دادند که سرمایه داران و کارفرمایان جز چپاول و غارت دسترنج کارگران، هیچ نقشی در تولید ندارند. نشان دادند که کارگران با اتحاد و مبارزه خود خواهند توانست اداره تولید را بدست گیرند و کارفرمایان انگل مفت و چپاول گران را از محیط کارخانه بیرون بیاورند.

۴- بدون بدست گرفتن قدرت سیاسی کارگران نمیتوانند قدرت اقتصادی سرمایه داران را از بین ببرند: وقتی کارگران البرز خود اداره تولید را بدست گرفتند، در مقابل دولت و نیروهای سرکوبگران قرار گرفتند و دولت به حمایت از کارفرمایان سرکوب کارگران پرداخت. این تجربه به ما می آموزد که بدون بدست گرفتن قدرت سیاسی و حکومتی و حکومتی کارگران نمیتوانند قدرت و سلطه اقتصادی سرمایه داران را نابود کنند. ممکن است کارگران یک کارخانه و چند کارخانه بتوانند برای مدت یک هفته و یک ماه شرکا را فرستاد

از سر خود کوتاه کنند ولی دشمن اصلی یعنی حکومت به عنوان نیروی متشکل طبقه سرمایه دار بر سر کارگران و جامعه حاکم است و دیگر با زود این نیروی متشکل سرمایه داران، کارگران را عقب خواهد زد. پس سرنگونی سلطه سیاسی طبقه سرمایه دار یعنی حکومت و بدست گرفتن قدرت سیاسی شرط اولیه برای رها شدن کارگران از شر نظام فاسد و ظالمانه سرمایه داری است.

۵- ضرورت تشکیلات برای هدایت مبارزات: بدون تشکیلات هیچ مبارزه ای به پیروزی و نتیجه نخواهد رسید. شورای کارخانه البرز تا وقتی که فعلاً لانه در جلوی کارگران و به کمک کارگران مبارز و کمونیست، مبارزه را رهبری و هدایت میکرد، کارها خوب پیش رفتند. درست در آنجایی که شورا عقب می نشیند و مبارزه کارگران، بدون تشکیلات رهبری کننده و انقلابی می ماند

در بعضی از کارخانه ها به فریب دادنشان مشغول است و اگر هنوز با ساداران مسلح به سراغشان نیامده اند، فقط برای آنست که تجربه مبارزاتی کارگران کارخانه البرز را از سرنگذرانیده اند. طبقه کارگر ایران، به جنگ سرمایه داری می رود. هر روز بخش عظیم تری از آنان به مبارزه کشیده میشوند و سرانجام روزی خواهد رسید که هر کارگری به یک کارگر مبارز و آگاه و از نظر رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی، به یک "اخلالگر" تبدیل خواهد شد!

اینک کارخانه البرز آستان مبارزه نوینی است. سخنرانی خبری با هیاهوی کارگران به هم میخورد و دفتر هیئت مدیره مورد هجوم بخشی از کارگران قرار میگیرد. کارگران دهر گوشه با هم جلسه تشکیل میدهند و نجوا میکنند.....

بزودی جوهرهای پراکنده ای که هم اکنون در جلسات، در پشت دستگاہ و در اطراف اتاق خبری، بصورت اعتراضات پراکنده خود را نشان میدهند، بیکدیگر خواهند پیوست!

## از مبارزه درس بگیریم!



۱- تجربه عملی، آموزگار بزرگ کارگران: تجربه ها در تجربه عملی و برخورد عینی و روزمره با واقعیات جامعه شناخت حسی و تجربی پیدا میکنند. کارگران مبارز البرز زواری زندگی و مبارزه خود و درگیر شدن با واقعیت جامعه مثل گران، بی حقوقی، استثمار شدن، ضد کارگر بودن هیئت مدیره، حمایت دولتی از کارفرمایان و نقش سرکوبگران و ساداران، به شناخت های جدیدی رسیدند. ولی تنها تجربه عملی کافی نیست تجربه عملی خود نموده ها اگر چه بسیاری از واقعیات را برای کارگران روشن میکند ولی چونکی تغییر انقلابی واقعیات جامعه، درک همه جا نبوده و عمیق این واقعیات و پدیده ها و رابطه آنها با یکدیگر را روشن نمی سازد. اینجاست که نقش عناصر آگاهی و راهما بودن علم رهایی کارگران یعنی مارکسیسم - لنینیسم مشخص میگردد. طبقه کارگر برای تغییر انقلابی جامعه، برای درک همه جا نبوده پدیده ها و ارکانها و رابطه بین آنها، برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزات خود، برای درهم کوبیدن نظام فاسد سرمایه داری وابسته به آگاهی طبقاتی، به علم رهایی کارگران و زحمتکشان یعنی مارکسیسم - لنینیسم نیاز دارد. تا دیروز تو درخشان این علم مبارزه راه درست را تشخیص دهنده و سمت پیروزی نهایی گام بردارد.

۲- اتکا به قدرت کارگران: کارگران البرز زابتدا چشم به دولت دوخته بودند تا شاید کاری برایشان انجام دهد. بعد از ناامیدی از دولت چشم امید به آیت الله خمینی دوختند، ولی باز ثمره ای ندیدند. این بود که آستین ها را بالا زدند و خود برای بهبود وضعیتشان اقدام کردند. با ردیگرایان اصل مسلم ثابت گردید که رهایی کارگران فقط و فقط بدست خود طبقه کارگر

اگر هنوز حکومت جمهوری اسلامی به همه کارگران "اخلالگر" و "ضد انقلاب" نگفته، فقط برای آنست که تجربه مبارزاتی کارگران کارخانه البرز را از سرنگذرانیده اند!

کارگران را برانگیزند و کارفرمایان به کمک ساداران براحتی به سرکوب کارگران می پردازد. بعد از وجود آمدن تزلزل در شو را و عدم توانایی آن در هدایت مبارزه، کارگران می بایست بلا فاصله یک کمیته موقت از کارگران مبارز و انقلابی تشکیل میدادند و این کمیته اداره مبارزه و هدایت آن را در دست میگرفت.

۶- صحت وفاداری کارگران انقلابی و کمونیست در راه مبارزات و آرمان گراگری: در مبارزات پرشکوه کارگران البرز کارگران انقلابی و کمونیست نقش برجسته ای داشتند. آنها نشان دادند در مبارزه علیه نظام سرمایه داری پی گیر و

# اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۶

دیدگاه‌های مردم و دکانها، ذخیره روستاکیان را غارت میکنند و به بهانه اینک پیشمرگان از آن استفاده نکنند آنرا بشهر آورده و در قریه و شکارهای خود بفروش میرسانند.

■ ۵۹/۵/۲ - در این روز سه فروند از هلی کوپترهای جمهوری اسلامی، روستای تکان تپه را زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن یک نوجوان ۱۲ ساله هدف

قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید.  
■ ۵۹/۴/۳۰ - ظهر این روز پیشمرگان کومه له (دسته شهید حسین) در نزدیکی روستای زووری منطقه کوماسی که در کمین جاشا و پاسداران نشسته بودند، آنها را بیدام انداختند و زیر آتش سلاحها سبک خود گرفتند. در این جریان ۶ جاش و پاسدار کشته و ۲ تن زخمی گردیدند و یک ماشین مواد تدارکاتی آنها

خسکی ناپدید شد. آنها نشان دادند در پی گیری و مبارزه در راه خواسته‌های کارگران همواره وفادار و مقاوم، در صف مقدم، مبارزه خواهند کرد و هیچ نیرویی نمیتواند در راه پلادی این آنها در رسیدن به آرمانهای کارگری خللی وارد سازد.

■ ۷ - پیروزی و شکست یک مبارزه کارگری از نتایج فوری بدست آمده تعیین نمیکرد: ما نباید پیروزی و شکست مبارزات کارگران یک کارخانه را از روی نتایج فوری و بلافاصله، حاصل از آن مبارزه برآورد کنیم. آنچه که برای طبقه کارگر مهم است، آنست که این مبارزه چه تجربیاتی برای کل طبقه کارگر به ارمغان می آورد؟ کارگران چه آموزنی از آن میکشند و این تجربه و آموزه چه نفوذی در ادامه و پیسرد مبارزات طبقه کارگر دارد؟ به همین دلیل به نظر ما تجربه مبارزات کارگران قهرمان کارخانه البرز یک تجربه پیروزمند و درس آموز برای کل طبقه کارگر است. چرا که تجربه کل طبقه کارگران را غنی و روشنی میدهد.

در نظام سرمایه داری، کارگران در مبارزات خود بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها، به شکستها و پیروزیهای بسیاری دست می یابند و حتی شکستها بیشتر است. ولی در دوره همیسن مبارزات و از میان همین شکستها و پیروزیهاست که طبقه کارگر آندیدد میشود، متحد و متشکل میگردد و برای رهایی خود، برای درهم گوبیدن نظام سرمایه داری آماده میگردد.

مبارزات کارگران مبارزات البرز ادامه دارد. کارمندان و دولت حامی آن تعدادی از کارگران مبارز و انقلابی را دستگیر و اخراج نموده اند. این سیاست کلی، و همیشگی کارفرمایان و دولت است. آنها میخواهند با اخراج کارگران پیروز و کمونیست منطقه مبارزات کارگران را خاموش نموده تا دستشان برای سرکوب کارگران باز باشد. کارگران دلاور البرز باید متحدانه و با تمام قوا برای آزاد کردن کارگران دستگیر شده و بازگرداندن کارگران اخراجی، این همزمان انقلابی خود مبارزه همه جانبه ای را در پیش بگیرند.

بدست پیشمرگان افتاد. به پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نشد و هویتی سالم به پایگاه خود مراجعت نمودند.  
■ ۵۹/۵/۲ - در این روز یک دسته از پیشمرگان کومه له - دسته شهید خروف، در ساعت ۶ بعد از ظهر با سلاحهای شیک پا - یکاه ارتش و پاسداران را در نزدیکی دریاچه زریبار مورد حمله قرار دادند. و ضربه سختی به آن وارد کردند. از میزبان تلفات اطلاعی در دست نداریم. افراد مستقر در پایگاه تا ۲۴ ساعت بعد از این حمله وحشت زده و بدون هدف مناطق اطراف خود را زیر آتش سلاحهای سنگین گرفته بودند. در این جریان به پیشمرگان آسیبی نرسید.

## مقاومت دلاورانه پیشمرگان

### "کومه له در گردنه گاران"

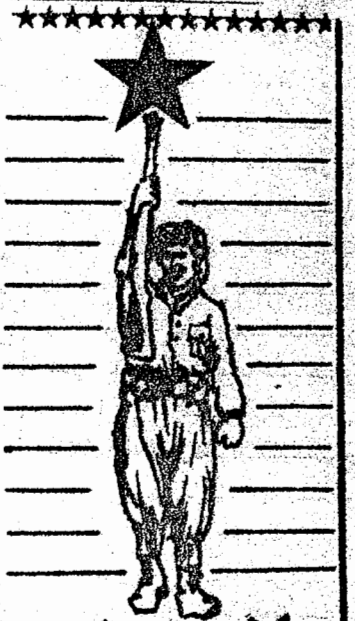
■ ۵۹/۵/۸ - در این روز سوسی مرکب از چند تانک و غیره و حدود ۵۰۰ کامیون ارتش و پاسدار و جاش از سمت مریموان بحرکت درآمد. این ستون بوسیله سه فروند هلی کوپتر حمایت میشد. پیشمرگان کومه له دسته شهید حسین در گردنه "گاران" با سلاح شیک و آرمی جی در کمین نشستند و به محض رسیدن آنرا زیر آتش گرفتند و ضربات سختی به آن وارد کردند. ستون مجبور به عقب نشینی گردید و شب را در بین راه متوقف شد.

روز بعد ۵۹/۵/۹ ستون دوباره بطرف مریموان بحرکت نمود و این بار نیز در "گاران" و در دو نقطه یکمیش پیشمرگان کومه له افتاد. درگیری از ساعت ۹ صبح آغاز گردید و تا ساعت یک بعد

از ظهر ادامه داشت. و در نتیجه سختی که در این ساعات روی داد تلفات سنگینی بستون وارد آمد. ستون بکلی متوقف گردید و چهار کامیون خاموش و مهمات و بغرات در همان جا - ساعات اول به آتش کشیده شدند و بکلی سوختند. به کامیون بدره سقوط کرد و تمام سوختنشان آن کشته شدند. و در ساعات آخر درگیری پنج کامیون دیگر خاموش شدند. منهدم گردیدند و سرشتیشان آنها نیز کشته و یا زخمی شدند. در این جریان جمعا ۱۲ کامیون دیگر خاموش شدند. منهدم گردیدند و نزدیک به ۹۰ نفر ارتشی و پاسدار و جاش کشته و زخمی شدند. پیشمرگان در زیر آتش شدید هلی کوپترها با شجاعت کم نظیری عقرب نشینی کرده و به پایگاه خود مراجعت نمودند.

حوالی ظهر همان روز ستون دیگری از مریموان به سمت نجات این ستون به سمت "گاران" بحرکت نمود اما قبل از رسیدن به محل، به کمین یک دسته دیگر پیشمرگان کومه له دسته شهید امین افتاد و دگانه طی آن بیش از ۱۰ ارتشی و پاسدار و جاش کشته و یا زخمی گردیدند. هلی کوپترهای جمهوری اسلامی از این ستون نیز حمایت میکردند. و در جریان تیراندازیهای آنسان یکی از پیشمرگان قهرمان کومه له بنام "نبی تادی" مشهور به "نبی لاویسان" که کارگری رزمنده و پیشرو بود به شهادت رسید. یادش گرامی باد. در این جریان یکی دیگر از پیشمرگان ما زخمی سطحی برداشت.

بخشی از دستون تا این تاریخ در گردنه "گاران" باقی مانده و بقیه به پایگاه مریموان رستیده است. سفار از حسرتا به کومه له



## اخبار کردستان قهرمان

\*\*\*\*\*  
● ۵۹/۴/۳۰ - ساعت ۵

بعد از ظهر این روز یک ستون ارتشی و پاسداران روستای "بوئین سفلی" در نزدیکی بانه گردیدند. روستا را اشغال کرده و خانه‌های مردم را با زرمی نمودند و سپس آنها را بوسیله جمع کردند. فرمانده پاسداران خطاب به مردم فریاد زد:

"...می بینید همه جا در تصرف ما است و پیشمرگان دیگر پشه‌ای بیشتر نیستند که بزودی آنها را نابود خواهیم کرد..."

یک ساعت بعد ستون روستا را ترک نموده و راهی بانه گردید. اما در راهی مریوان، بانه، بوئین، بکمین پیشمرگان دموکرات و کومه له افتاد و نبرد سختی درگیر شدند که تا ساعت ۱۱ شب

مبارزه خلق دلاور کرد ادامه دارد، پیشمرگان قهرمان کمونیست و انقلابی در شهرها و روستاها و کوره راهها در مقابل تهاجم ارتش و پاسداران به مقابله و مقاومت دست میزنند. آنها شبها به میان مردم شهرهای اشغالی رفته و برای آنان سخنرانی میکنند

فرزندان خلق دلاور کرد و ویرانی بی و بی خانمانی دهها هزار نفر از زحماتشان تمام شده همچنان به عملیات جنایت کارانه خود ادامه میدهند، شهرها را بمباران میکنند، در روستاها به بانه خلع سلاح به کشتار و سرکوب زحماتشان میپردازند و انقلابیون اسیر

محتوم خود را نزدیک ترمینال زد. این اقدامهای ضدانقلابی و وحشیانه تنها نخواهد توانست اراده پولادین خلق دلاور کرد را درهم شکنند، و در عزم و اراده انقلابیون و کمونیستها در سراسر ایران خلل وارد آورد، بلکه عزم

اعدام انقلابی در سنج:

## قلاش ارتجاع برای سرکوب مقاومت خلق کرد!

برای مسافران در جاده‌ها اهداف مبارزات خلق کرد و خواستهای آنان را توضیح داده و ماهیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی را افشا میکنند. مردم مبارز کردستان همراه با پیشمرگان قهرمان خود به مقاومت و مبارزه در مقابل یورش‌های ارتش و پاسداران دست میزنند، با تهیه آذوقه برای پیشمرگان، با مخفی کردن آنان، با راه‌پیمایی در شهرها، با شرکت فعال در میتینگ‌های سازمانهای سیاسی از حقوق خود دفاع و از سازمانهای سیاسی خود پشتیبانی میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی با اشغال تعدادی از شهرهای کردستان که به قیمت کشته و زخمی شدن صدها نفر از بهترین

وزندانی راه جوخه اعدام میپارد. کشتار ۹ تن از انقلابیون سنج از آخرین اقدامها و جنایات وحشیانه رژیم در کردستان میباشد این انقلابی که در اسارت رژیم بودند در بیدارگاه‌های دربسته، بدون رعایت ابتدایی ترین حقوق انسانی، محاکمه و به اعدام محکوم شدند. رژیم جمهوری اسلامی بارها برای اعدام این دلاوران خلق کرد و سایر انقلابیون، به خود زحمت تشکیل دادگاه نیز نداده است. و بطور مخفیانه آنها را تیرباران کرده است.

تاریخ مبارزات خلقهای ایران و جهان نشان داده است که ارتجاع با اعدام انقلابی تنها کور خود را میکند و مرگ

و اراده کارگران و زحماتشان و انقلابیون و کمونیستها را در سراسر ایران برای نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، برای درهم کوبیدن ارتجاع، مدحچندان خواهند نمود، و کینه طبقاتی آنها را نسبت به جلادان بهتر بین فرزندان این سرزمین شعله و ترغوا هد گردانند! در رابطه با این اقدامها ضدانقلابی

سازمان انقلابی زحماتشان کردستان ایران (کومه له) اعلام نموده است که در مقابل اقدامهای وحشیانه رژیم بی تفاوت نخواهد ماند و بوسیله تعهدات خود در مقابل زحماتشان و خلقهای ایران در این زمینه عمل می نماید! □

باشد ادامه داشت. در این جریان ستون پراکنده و تاروما رشد و حداقل ۲۰ پاسدار ارتشی کشته شدند و عده زیادی زخمی گردیدند، فرمانده پاسداران بانه که شخصی است بنام پیچک جزو زخمی شدگان است.

در این جریان چهار

پیشمرگه حزب دموکرات بانه - مه‌ای محمد امین معروفی، حسین بوئینی، جلال و مجید و یک پیشمرگ دیگر بنام کاک صدیق بشهادت رسیدند. بانه را با ادامه مقاومت پیگیر و سرخستانه در مقابل سرکوبگران دشمنان خلقها و زحماتشان ایران گرامی میداریم، همچنین

یکی از پیشمرگان کومه له در این جریان زخمی گردید. بعد از پایان درگیری فانتومها منطقه را بر اکت بستند که در جریان آن یک خرمن آتش گرفت و چندین راس گاو و گوسفند از بین رفتند.

پاسداران بانه در باز بقیه در صفحه ۱۵

## اتحاد پولادین کارگران و زحماتشان نظام پوسیده سرمایه‌داری وابسته را درهم خواهد گویید!